

قطعه‌نامهٔ مرد و زن در حقوق اسلام

بیژن بیدآباد^۱

چکیده

در این مقاله به اصول مهم قواعد حقوقی روابط جنسی می‌پردازیم و به نحوی سعی می‌شود تا این مبحث از ابعاد حقوقی و اخلاقی مرور شود. ظرافت‌های حقوق اسلام در این زمینه آنقدر زیاد است که نمی‌توان به جزئیات آن پرداخت ولی سعی می‌شود با توجه به کلیات حکمت تشریح الهی و فارغ از جزئیات عرفی رایج برخی مسائل را در ارتباط با موضوعاتی نظیر تساوی معنوی زن و مرد، حقوق زوجیت، تعدد زوجات، طلاق و فوت، روابط خارج از ازدواج، آزار جنسی، تجاوز، دگرپاشی، تراجنسی و روابط همجنسی و موارد اخلاقی نظیر حجاب زن و مرد، و ارث و شهادت را بررسی نماییم.

کلیدواژه‌ها: حقوق زوجیت، روابط جنسی، اخلاق، حقوق اسلام، دگرپاشی، تراجنس.

مقدمه

چارچوب روابط مرد و زن و وظایف هر کدام در ارتباط با یکدیگر بسیار دقیق است و چنانچه از مرز طبیعتی که خداوند برای آنها مقرر داشته عدول نماید موجب ناراحتی طرفین و مخاطرات نسل و بقای خانواده می‌شود. وضع قانون اضافه بر فطرت و اعطای حقوق بیش از اقتضای طبیعت به مرد یا زن برخلاف آنچه مورد انتظار قانونگذار است موجب تعدی یکی از طرفین به حقوق طبیعی دیگری می‌شود. افراط و تفریط در این امر سبب شده تا بنیان خانواده در جوامع انسانی با حمایت بیش از حد از حقوق مرد در مقابل زن یا حقوق زن در مقابل مرد سست شده و غالباً منتهی به جدایی یا طلاق گردد. مسلماً بر هر قاعده‌ای استثناء هست و استثنائات آن را شارع مقرر نموده است. و مسلم این است که قوانین الهی و سازندهٔ بشر غنی‌تر و مفیدتر به حال بشر است تا وضع قوانین توسط خود بشر. همانطور که می‌فرمایند: ^۲ تکامل خانواده بدون اجتماع زن و مرد امکانپذیر نمی‌شود، یعنی اگر زن نباشد یا مرد نباشد، تکامل پیدا نمی‌شود لذا تکامل بشری در حضور هر دو است. لذا یکی از حکمت‌هایی که خداوند نسل بشر را در دو جنس قرار داده، این است که برای اداره جامعه هم خصلت‌های زنانه لازم است و هم خصلت‌های مردانه. یعنی اگر مردسالاری یا زن سالاری باشد، جامعه بشری دچار

^۱ دکتر بیژن بیدآباد، (B.A., M.Sc., Ph.D., Post-Doc). <http://www.bidabad.ir> bidabad@yahoo.com bijan@bidabad.ir

بدینوسیله از خواهر گرانقدرم خانم فرانک بیدآباد، روانشناس و سکس‌تراپیست در دانشگاه (Université de Québec à Montréal) UQAM مونترال کانادا که پیشنویس مقاله را مطالعه و نظرات ارزشمندی ابراز داشتند تشکر می‌نمایم.

^۲ حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، سخنرانی در ۹۶/۸/۱۴ تحت عنوان: خلقت مرد و زن و لزوم دو خصلت زنانه و مردانه برای کمال بشر.

<http://www.mazaresoltani.com/download/mp3/96/1396-08-14-Sobhe-YekShanbe-Khelghate-Zan-Va-Mard-Takamole-Bashar-128.mp3>

اختلال می‌گردد. خداوند در خلقت بشری که خودش آفریده می‌داند که نقاط ضعف هر کدام چیست و وقتی هر دو با هم باشند نقاط ضعف هر کدام چگونه توسط دیگری پوشانده می‌شود. برای حصول بهتر نتیجه برای هر یک از این دو گروه یک دسته وظایف معین فرموده و هر کدام از آنها وظایف خاصی دارند تا بتوانند با هم باشند. خداوند خودش معین کرده، چون بنا به قوای فطری، تکامل بشری باید از راه همین زن و مرد که آفریده شدند باشد. لذا ما لازم است تا به وظایف خودمان آشنا شویم و به آن وظایفی که خداوند به ما تعلیم داده آگاه شویم. این خلاصه برنامه مسیر راه است.

در بیان احتیاج سالک به معاشرین از عیال و اولاد و خدم و عمال می‌فرماید:^۳ «بدانکه انسان را خداوند در شکم و بدن محتاج به غذا و لباس خلق کرده است و چون سایر حیوان هم او را قرار نداده است که به لباس موهوبی حق اکتفا کند یا خوراک به گیاه و حبوب بدون تعمل اکتفا کند بلکه او را عاری از لباس موهوبی و محتاج در لباس به صنع صنّاع قرارداد و در خوراک بر مطلق حبوب و بقول و گیاه اکتفا نتواند نمود و بر لحوم بدون تصرف کردن اقتضار نتواند بلکه لباس او را از پنبه و پشم و کتان و موی و پوست باید به تصرفات غریبه ساخت و خوراک او را از حبوب مخصوصه مزروعه و لحوم و آلان حیوانات مخصوصه باید به تعمل اصلاح کرد که موافق مزاج او گردد و اصلاح هر یک از اینها به آلات و اسباب بسیار محتاج و آلات و اسباب هر یک بصنعت مخصوص و صنّاع مخصوص احتیاج دارد که چون نیک نظر کنیم رفع حاجت شکم و بدن به چندین صنعت و صنّاع محتاج می‌شود. و چون به حد بلوغ رسید و شکم را سیر کرد یا نکرد از حکمت‌های بالغه الهیه به جهت تولید مثل و بقای نوع، طبیعت از غذای او چیزی از بدل مایتحلل و از قدر نمو مفروز دارد و او را به جهت نطفه ذخیره کند و بواسطه امتلای اوعیه منی از آن ماده نطفه دغدغه و تحریک کند؛ بر دفع آن و چون خداوند متعال برای دفع آن محلّ خاصی قرارداد که به آن واسطه بقای نوع تواند باشد لهذا محتاج به زن و خانه می‌شود و به جهت رفع این حاجات محتاج می‌شود به معاشرت کردن با ابناء نوع خود، و چون هر یک جالب نفع و دافع ضرر خود هستند بالطبع و نفع و ضرر هم ندانند مگر نفع و ضرر حیوانی و اگر سر خود باشند نزاع و اختلاف و هرج و مرج لازم آید پس باید رجوع کند به زاکانی که نبی وقت یا سلاطین وقت برای رفع اختلاف و هرج و مرج گذاشته‌اند. پس سالک چون ناچار است از معاشرت باید زاکان وقت خود را بداند و بر آن زاکان رفتار کند تا آسوده تواند رو به آخرت و به خدا داشته باشد. و آنچه در طریقه رفتار با معاشرین و زیردستها رسیده است از بزرگان دین از آداب معاشرت و اخلاق پسندیده در فکر باشد که معمول دارد و آنچه نهی فرموده‌اند از مناهی شرعیه و اخلاق رذیله در فکر باشد که ترک کند و تمام فکرش این باشد که ارتکاب امر و نهی محض یاد گرفتن و امتثال نمودن نباشد. بلکه اثر خوبی این و بدی آن را در خود بیابد، و آن وقت که اثر خوبی و بدی را در خود یافت از روی تحقیق رفتار خواهد کرد و لذت ارتکاب و اّتصاف به اوامر را چون یافت شوق سلوک او زیاد و سیر او بیشتر از پیشتر خواهد شد. بلکه در فکر این خواهد افتاد که از اشارات به لطائف رسد و از لطائف به حقایق، زیرا که چنانکه عبادات را عبارات و اشارات و لطایف و حقایق هست که گذشت معاملات را نیز همین مراتب هست.»

^۳ حضرت حاج سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، ولایتنامه، انتشارات حقیقت، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

تساوی زن و مرد

در ارتباط با تساوی میان زن و مرد می‌فرمایند: ^۴ «اسلام در جهات دیناتی و عبادات و اخلاق که موجب تکمیل افراد بشر است فرقی بین زن و مرد قائل نشده، فقط اموری را که مخالف استعداد و دماغ زن است مانند جهاد از او رفع کرده. جهاتی هم که موجب زیادت‌ی محبت زن و مرد و محفوظ بودن عفت است ملحوظ شده، مانند آنکه زن بدون اجازه شوهر حق بیرون رفتن از خانه ندارد. و این نیز خلاف عدالت نیست زیرا در مقابل این امور برای زن زحمت کسب و تحصیل اسباب معیشت قرار نداده و مرد را عهده دار آن نموده است، و در آن نیز ملاحظه حفظ جنین و اولاد و خود آنها شده. و در غیر اینها برای زن و مرد فرقی نیست و اصول اعتقادی در هر دو یکی است و هر دو مأمور پرستیدن خدای یگانه و اعتقاد به پیغمبر (ص) هستند. واجبات و سایر احکام نیز برای هر دو هست و هر دو به تحصیل علم و اخلاق حسنه و کسب ملکات فاضله و دور کردن اخلاق رذیله و عادات قبیحه و به کار و کسب معیشت از ممر حلال مأمورند، منتها زن به فراخور حال خود و مرد بر طبق دستورات که برای خودش معین شده باید رفتار کنند. و آنچه از اخلاق مذمومه که در زنها بیشتر است در قرآن خطاب نهی به آنها شده، و آنچه در مردان زیادتر یا مساوی است مردان را مخاطب قرار داده، و در ثواب و درجات اخروی فرقی بین آن دو قائل نشده است. چنانکه در سوره احزاب آن دو را ردیف قرار داده می‌فرماید: **إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ تَأْتِيكُم مِّن بَيْنِ يَدَيْكُم مِّنَ الْمَسْكِنَاتِ أُولَئِكَ هُم مُّغْفِرَةٌ وَأَجْرًا عَظِيمًا** که زن و مرد را در صفات حسنه و کسب آنها و در ثواب مساوی قرار داده و جزای هر دو را یکی معین فرموده و همانطور که در قرآن می‌فرماید: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ**. و در اخبار نیز غلام سیاه پوست بدمنظر صالح بر سید قرشی طالح فضیلت داده شده. همچنین زن با شرافت و عفت و دیانت به مراتب نزد خدا و وجدان مقدم است بر مرد بدکار و در انسانیت بر آن مرد شرف دارد، اینطور مرد حق افتخار بر آن زن ندارد چه فخر به اعمال صالحه و اخلاق حسنه و فضیلت به کمالات ذاتیه و ملکات فاضله است نه بر ذکوریت و انوئیت، و در ناموس طبیعت هر کدام از آنها به وظایف خود بهتر عمل کنند برتر و به تمجید و تحسین و به جزا و ثواب سزاوارترند.»

در مسیحیت شخصیت زن آن چنان سبک شمرده می‌شد که حتی چنین نتیجه می‌گرفتند که بین تمام زنان فقط حضرت مریم (ع) دارای روح خالده و انسانی است و بقیه زنان حالتی بین انسان و حیوان دارند و همچنین عرف قدیم هندو زن را دارای شخصیت انسانی نمی‌دانست و زوجه به منزله هدیه‌ای بود که از طرف خاندان عروس به داماد تقدیم می‌شد و لذا رضایت او شرط نبود و خود زن شخصیت جداگانه‌ای نداشت تا مال داشته باشد، تحت تأثیر حقوق مسیحیت در نظامهای حقوقی اروپا زن شوهردار اهلیت نداشت، از لحاظ مالی محجور بود، اختیار کلیه اموال او با شوهرش بود با توجه به دائمی بودن ازدواج و نبودن طلاق در واقع از زن الی الابد سلب مالکیت می‌شد و اداره و اختیار اموال او به شوهر محول می‌شد.^۷

^۴ حضرت حاج سلطانحسین تابنده گنابادی، رضاعلیشاه ثانی، تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا، انتشارات حقیقت، چاپ چهارم ۱۳۷۲.

<http://www.sufism.ir/>

^۵ - سوره احزاب آیه ۳۵.

^۶ - سوره حجرات، آیه ۱۳. گرامیترین شما نزد خدا پرهیز گارترین شما است.

^۷ حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده معذوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

بر این اساس و همانطور که مادر مریم علیها السلام به بارگاه الهی معروض می‌دارد «مذکر همانند مؤنث نیست»^۸ فلذا حقوق آنها نیز باید متفاوت باشد. موارد زیر از اهم موارد لازم الذکر در حقوق زن و مرد در ارتباط با یکدیگر می‌باشد که بدون ذکر جزئیات احکام به آنها می‌پردازیم:

۱- حقوق مرد و زن منبعث از طبیعتی است که خداوند به آنها عطا کرده است، چنانچه قانون یا عرف جامعه بیش از آنچه طبیعت برای آن دو اقتضاء کرده حقوقی به آنها بدهد یا از حقوق آنها بکاهد برخلاف طبیعت مقرر برای آنها بوده و مصداق ظلم است. زیرا ظلم عبارت است از قراردادن شیء در غیر موضع له.^۹

۲- زن و مرد در شخصیت انسانی برابر هستند، اگر چه در خصوصیات فیزیکی، احساسی و روحی تفاوت بارز دارند.^{۱۰}

حقوق زوجیت

ژرژ ریبر^{۱۱} در مبحث ازدواج می‌نویسد: «عرفی کردن ازدواج موجب از بین رفتن ارزش مذهبی آن می‌شود و این فکر را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهد که احترام این وصلت باید صرفاً با رعایت قواعد اخلاقی تامین گردد اما چنین نظریه و اخلاقی هرگز نمی‌تواند زوجین را در رعایت قواعد اخلاقی تا آنجا پیش ببرد که نسبت به هم فداکاری نمایند...». «قوانین مدنی که نخواهند به اهمیت و نفوذ عامل مذهبی اقرار کنند در راه تامین اخلاق روابط جنسی دچار مشکلات خواهد شد...». «اما در کشورهایی که قواعد سنتی متزلزل شده‌اند بنیان خانواده در معرض خطر است.» در حقوق کلیسا تقدیس^{۱۲} بدین معنی است که زوجین قصد هماهنگی خود را در ازدواج به کشیش اعلام می‌کنند و این کشیش است که آن دو را به نام خداوند به هم پیوند می‌دهد. اعلام قطعی قصد و اراده به تنهایی برای تحقق علقه زوجیت کافی نیست و تقدیس است که خالق علقه زوجیت می‌باشد که برای ابد این علقه فناپذیر را ایجاد می‌نماید و تک همسری نیز جزء مقتضای آن است. در اسلام ازدواج عقدی است که با سایر عقود تفاوت بارز دارد و از آن با عنوان «عصمت الشرعیه» تعبیر شده و زوجین حق دارند طی عقدی خود را مشمول مقررات آن قرار دهند. در انعقاد آن مانند سایر عقود شخصاً اختیار دارند و اعلام نیت قاطع و هماهنگ منحصراً بوسیله «ادای صیغه ایجاب و قبول» با توجه به شرایط سایر عقود برای تحقق آن کافی

^۸ سوره آل عمران، آیه ۳۶. فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَئِنَّ الذَّكَرَ كَأَلْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْءِ إِنَّا الرَّحِيمِ. و چون او (مریم) را بزاد (از روی حسرت) گفت: پروردگارا، او دختر است! و خداوند بر آنچه او زاییده دانانتر است. و پسر مانند دختر نیست، و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از شر شیطان رانده شده در پناه تو آوردم.

^۹ Bijan Bidabad, (2018) "Philosophy of law: an Islamic Sufi approach", International Journal of Law and Management, Vol.

60 Issue: 5, pp.1179-1195, <https://doi.org/10.1108/IJLMA-06-2017-0132>

^{۱۰} سوره حجرات، آیه ۱۳. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.

سوره نحل، آیه ۹۷. مَنْ عَمِلَ الْجَاهِلِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

^{۱۱} - ژرژ ریبر، حقوق مدنی، جلد اول، صفحه ۲۹۳.

است و عدم ثبت به هیچ وجه در صحت ازدواج خللی وارد نمی‌سازد.^{۱۳}

در بیان حقوق زوجیت می‌فرماید: ^{۱۴} «بدانکه زن حقوق بسیار بر ذمه شوهر دارد که کم کس از عهده آنها برمی‌آید، و شوهر را حقوق بسیار دیگر بر ذمه زن است که بسیار کم است آن زنی که تواند از عهده برآید، حق زن بر مرد آنست که خوراکی و پوشیدنی و مسکن موافق حال او و سعه مال خود برای او مهیا دارد و در خوراکی و جامه آنچه در میان مردم معمول است در خور حال او مضایقه نکند و اگر زن بد کند بر او بپوشد و ببخشد، و تا آثار نشوز ظاهر نشود بر او رو ترش نکند و حرف سخت به او نگوید، و آنچه از لوازم تجمل است مثل حنا و رنگ برای او مهیا دارد و از میوه‌ها آنچه معمول محل و شأن اوست برای او مهیا دارد، و در عیدها مثل سایر مردم زیاد از اوقات دیگر برای او مهیا دارد، و در همه حال ملاحظه این را داشته باشد که چنانکه زن اسیر او و مقهور اوست، خود او مقهور و مغلوب حق است، آن چیز که از حق تعالی شانه توقع دارد که درباره او معمول دارد، تا خداوند هم درباره او چنان معمول دارد، و در خبر است که: بهترین شما و محبوب‌ترین شما کسی است که با زنان بهتر سلوک کند» و از جناب رسول (ص) است که گفتن مرد به زن خود که من تو را دوست می‌دارم هرگز از دل او بیرون نمی‌شود...»

خداوند از رابطه مرد و زن در امر نکاح با عنوان «میثاق غلیظ»^{۱۵} یا تعهد محکم نام می‌برد و در آن آیه به صراحت از تعهدی سخن به میان آورده می‌شود که مرد به زن متعهد شده است. موارد زیر در این ارتباط لازم الذکر هستند:

۳- آنچه در عموم نظام‌های حقوقی و مشخصاً در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با روابط مرد و زن مد نظر قانونگذار است حفظ و ثبات و دوام رابطه و نسل و تعهد هر دو به حفظ حقوق انسانی طرف مقابل و قبول مسؤلیت هر کدام از آنها در قبال دیگری و در قبال آثار ناشی از برقراری رابطه بین آن دو است.

۴- اهم شرایط ازدواج قصد و رضای زوجین است. لذا ازدواج مجنون چون دارای قصد و رضای صحیح نمی‌تواند باشد صحیح نیست.

۵- توافق مرد و زن برای زندگی مشترک شرط اساسی برای زندگی زناشویی است و آن دو در انجام تشریفات قانونی عقد محیّرند. این بیان ازدواج که در عرف جامعه با نام ازدواج سفید شناخته می‌شود و در فقه از آن تحت عنوان نکاح معاطات یاد می‌شود محتوی کلیه حقوق شرعی برای طرفین و فرزندان و وابستگان است، هر چند مستحق حقوق قانونی نباشد.

۶- مهریه اجر^{۱۶} و هدیه‌ای^{۱۷} است که مرد هنگام ازدواج به زن می‌دهد و نباید آن را موقوف به تعهد در آینده نمود.

^{۱۳} حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

^{۱۴} حضرت حاج سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، مجمع السعادات، انتشارات حقیقت، چاپ دوم، ۱۳۵۳.

^{۱۵} سوره نساء، آیه ۲۱. وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا. و چگونه آن را می‌ستانید با آنکه (آب) بعضی از شما بر بعضی ریخته شده و آنها (زنان) از شما (مردان) پیمانی استوار گرفته‌اند.

^{۱۶} سوره مائده، آیه ۵. الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الْيَبَاءُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُؤْمِنَاتُ وَالْمُؤْمِنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مِنْ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

وعده‌دار کردن پرداخت مهریه می‌تواند موجبات خسارات روانی زیادی به خانواده شود و مستمسکی برای نبرد قدرت^{۱۸} بین مرد و زن گردد. به عبارت دیگر مهریه هدیه‌ای است که در بدو ازدواج از طرف مرد به زن تقدیم می‌شود تا نمایانگر آمادگی او برای زندگی مشترک باشد و به محض عقد، زن مالک نصف مهر می‌گردد و بعد از زفاف مالک تمام آن می‌شود و جزء اموال اختصاصی اوست که با سایر اموالش هیچ تفاوتی ندارد.

۷- پرداخت اجرت المثل ایام زوجت به زن به شرط قرارداد شدن آن در ضمن سایر شروط عقد نکاح می‌تواند لحاظ شود در غیر این صورت به قصد تبرع تلقی و از لحاظ اجبار مشروعیت ندارد.

۸- زوجین می‌توانند از جمله شروط ضمن عقد موارد مقدوری که نامشروع و مخالف قوانین آمره و با مقتضای عقد مخالف نباشد (وظیفه اداره خانواده، انفاق و تمکین زن ... را می‌توان از اصول مقتضای عقد دانست) بین طرفین مقرر گردد در غیر این صورت حکم پیش‌فرض در راستای موارد تمکین عام زوجه در مورد آنان اعتبار خواهد شد. از جمله این موارد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- اعطای وکالت بلاعزل زوج به زوجه با حق توکیل به غیر چه بطور مطلق و چه بطور مشروط به احراز بعضی شرایط (مثلاً اگر زوج زن دوم گرفت) که زوجه هر زمان که بخواهد از جانب زوج اقدام به متارکه نموده و خود را به هر طریق اعم از اخذ یا بذل مهریه از قید زوجیت رها کند.
- تعهد به پرداخت خسارت در صورت ازدواج با زن دیگر.
- اجازه زوجه مبنی بر مسافرت به خارج از کشور.
- تخییر زوجه به حق ادامه تحصیل تا هر مقطع و در هر مکان و محلی که ایجاب کند.
- تخییر زوجه در انتخاب شغل.
- توافق زوج و زوجه بر تنصیف دارایی هنگام متارکه اعم از اینکه متارکه به درخواست مرد باشد یا زن.
- حق اختیار مسکن و تعیین شهر یا محل زندگی مشترک.
- تعیین نوع منزل.
- تعیین دستمزد برای زوجه برای انجام بعضی کارهای خانه.
- حضانت فرزندان بر عهده زوجه باشد و عدم نیاز به اذن پدر برای خارج کردن فرزندان از کشور.
- یا هر گونه عمل مجاز دیگر.

۹- موارد نشوز به معنی استنکاف یکی از زوجین به حقوق واجب و وظایف شرعی خود در قبال طرف دیگر

← امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید و هر کس در ایمان خود شک کند قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است.

^{۱۷} سورة نساء، آیه ۴. وَأَتُوا النِّسَاءَ مَدْقَاتِهِنَّ خُلَّةً فَإِنْ طَبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا. و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید.

موجب عدم استحقاق وی از حقوق زناشویی می شود.

۱۰- رجم در قرآن نه حکم تأسیسی و نه حکم امضایی ندارد.

۱۱- قرائن و امارات یا به عبارت دیگر لوث که موجب ظن قاضی به ارتکاب جرم جنسی شود و حتی علم قاضی به ارتکاب جرم جنسی مردود است.

۱۲- مدیریت و بار زندگی زناشویی و خانواده تحمیل بر مرد است^{۱۹} معذک که مرد باید زن را بر خود مقدم دارد.^{۲۰}

۱۳- صداق و نفقه زن اعم از خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث البیت بر عهده شوهر است.

۱۴- شرکت زن در جنگ نهی شده است.

۱۵- اگر زن مرتکب فاحش شود مرد مجاز به اخراج وی از خانه نیست.^{۲۱}

۱۶- شکل عمل زناشویی بین زن و شوهر به جز انحاء و ایامی که مورث بیماری حداقل یکی از طرفین است منع نشده و تذکر در این مورد توصیه اخلاقی و بهداشتی است نه نحو صدور حکم.^{۲۲}

۱۷- تلقیح نطفه از مرد به رحم زن با استفاده از نطفه محرم مشروع است.

۱۸- امساک مرد از ازدواج تضييع حقوق زنان است و همچنین امساک زن از ازدواج تضييع حقوق مردان است. لذا به این سبب استمناء منع شده است.^{۲۳}

^{۱۹} سورة نساء، آیه ۳۴. الرَّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَلَا لِحَاثُ فَنَاتٍ حَافِظَاتٍ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا. مردان عهده دار زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند و زانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و در خوابگاهها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را ترک کنید پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا والای بزرگ است.

^{۲۰} سورة بقره، آیه ۲۲۳. نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. زنان شما کشتزار شما هستند پس از هر جا که خواهید به کشتزار خود درآیید و آنها را بر خودتان مقدم دارید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده.

^{۲۱} سورة نساء، آیه ۱۵. وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهِنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا. و از زنان شما کسانی که مرتکب زنا می شوند چهار تن از میان خود بر آنان گواه بگیرید پس اگر شهادت دادند آنان [=زنان] را در خانهها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد.

^{۲۲} سورة بقره، آیه ۲۲۳. نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. زنان شما کشتزار شما هستند پس از هر طور که خواهید به کشتزار خود درآیید و آنها را بر خودتان مقدم دارید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده.

^{۲۳} «از حضرت صادق پرسیدند که چرا حد در زنا صد تازیانه است و در شراب هشتاد تازیانه و چگونه زنا بدتر شد؟ فرمود: به جهت تضييع نطفه و گذاشتن او را در غیر موضعی که خدا فرمود که حرث شما است. و در فقه الرضا است که حضرت رسول ص فرمود که لواط حرام شده به جهت آنچه که در اوست از فساد و بطلان حق زنها که خداوند ترغیب بر آنها کرده. و معلوم است که حکمت در حرمت لواط فساد حق ←

۱۹- ازدواج با محارم و زنان پدران و زنان پسران و جمع دو خواهر در آن واحد ممنوع است.^{۲۴} از دیگر موارد حرمت رضاع، حرمت جمع نسبی بین عمه و خاله یا برادرزاده یا خواهرزاده بدین معنی که مرد نمی‌تواند برادرزاده یا خواهرزاده همسرش را بگیرد مگر با اجازه همسر خود، نکاح سه طلاقه مگر با محلل، نکاح نه طلاقه بطور ابد، زنا با زن شوهردار، لعان، نکاح در حال احرام، نکاح با مشرک یا نکاح زن مسلمان با مرد غیرمسلمان را می‌توان ذکر نمود.

۲۰- برای تشویق مشرکین که از عقیده ناراسخ خود مبنی بر پرستش مجسمه‌ای به عنوان خالق هستی دست بردارند نکاح با آنان منع شده تا آنکه ایمان آورند.^{۲۵}

۲۱- ازدواج با نابالغ ممنوع است هرچند فقیهان حیل‌های شرعی بر آن بیان نموده باشند.

۲۲- دارائی و اموال زن مستقل است و به خود او تعلق دارد لذا زوج نیز مانند بیگانه حق دخالت قانونی در اموال زوجه ندارد.^{۲۶}

زنان و فساد نسل است و ضایع شدن نطفه و به این سبب استمناء را حرام کرده‌اند و وطی در ذبّر زن را حرام کرده‌اند و وطی بهیمة را حرام کرده‌اند و مساحقه زنان را حرام کرده‌اند که اگر مرد به مرد اکتفاء کند و زن به زن امر نسل و تناسل از میان می‌رود».

حضرت حاج ملا علی بیدختی گنابادی، ذوالفقار، در حرمت کشیدن تریاک، چاپ چهارم، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۲، تهران، صص ۷۶-۷۵.

^{۲۴} سوره نساء، آیات ۲۲-۲۴. وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا. حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعُمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَثْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا. وَالْمَخْرُجَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحِبِّينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. و با زانی که پدرانتان به ازدواج خود در آورده‌اند نکاح مکنید مگر آنچه که پیشتر رخ داده است چرا که آن زشتکاری و [مایه] دشمنی و بد راهی بوده است. [نکاح اینان] بر شما حرام شده است مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران زنانان و دختران همسرانتان که [آنها دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید پس اگر با آنها همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید] و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند و جمع دو خواهر با همدیگر مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که خداوند آمرزنده مهربان است. و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زانی که مالک آنان شده‌اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مقرر با یکدیگر توافق کنید مسلماً خداوند دانای حکیم است.

^{۲۵} سوره بقره، آیه ۲۲۱. وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأُمَّةً مُؤْمِنَةً حَتَّى تُؤْمِنَ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ حَبِيبٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. و با زنان مشرک ازدواج مکنید تا ایمان بیاورند قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است هر چند او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است هر چند شما را به شگفت آورد آنان [شما را] به سوی آتش فرا می‌خوانند و خدا به فرمان خود [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند باشد که متذکر شوند.

^{۲۶} سوره نساء، آیه ۳۲. وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا. و زنهار آنچه را خداوند به [سبب] آن بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید برای مردان از آنچه [به]

۲۳- هزینه‌های خانواده به عهده مرد است و زن می‌تواند برای هر خدمتی که می‌کند و حتی برای شیردادن فرزندان خودش مطالبه مزد نماید و مرد مکلف به پرداخت است.^{۲۷}

تعدد زوجات

تمدنهای پیشتر که نیاز به ازدیاد جمعیت داشتند تعدد زوجات را امری عادی و متداول بین همگان نموده بودند؛ اما متدرجاً که از این نیاز کاسته شد عرف و عادت آن را از نظر دور داشت و کم‌کم بصورت امری نامطلوب جلوه‌گر شد بطوریکه امروز در ممالکی هم که این اجازه وجود دارد مردان بندرت از آن استفاده می‌کنند و عامه به مردان چندهمسر با نظر عادی نمی‌نگرند. اما منع مطلق تعدد زوجات مضرات فراوانی دارد زیرا گزینه با چنین منعی مخالف است و بعلاوه به مصداق «الانسان حرید علی ما منع» (انسان نسبت به چیزهای ممنوعه حریص است) آثاری برخلاف مقصود به بار می‌آورد. طبق آمارهای منتشره در فرانسه که تعدد ممنوع است ۶۵٪ مردان متأهل روابط نامشروع با دیگر نیز دارند، اما در ممالکی که اجازه تعدد داده شده است تعداد مردان چندهمسر به اضافه تعداد مردان متأهلی که رابطه نامشروع دارند شاید به ۱۰٪ نیز نرسد. مرتضی مطهری^{۲۸} بعد از اشاره به قانون اخیر مصوبه انگلستان درباره جرم نبودن عمل لواط می‌نویسد: «این مدعیان رهبری بشریت که تعدد زوجات را خلاف انسانیت می‌دانند با تصویب این قانون می‌خواهند بگویند اگر مرد متأهلی از جنس ذکور هوو آورد اشکال قانونی ندارد اما اگر از جنس اناث باشد جرم است و خلاف قانون».^{۲۹}

تعدد زوجات از ابزار اساسی مدیریت جامعه پس از وقایعی است که به نحوی تعادل در تعداد زنان و مردان به نفع زنان بر هم می‌خورد، مانند وقوع جنگ‌ها که چنانچه در این مواقع راه حل اساسی مانند تعدد زوجات پیش گرفته نشود با ازدیاد روابط نامشروع بنیان خانواده‌های موجود نیز به مخاطره می‌افتد. زیرا مادران بسیاری با فرزند بی‌سرپرست می‌مانند و

←

اختیار] کسب کرده اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی داناست.

^{۲۷} سوره طلاق، آیه ۶. اَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكُنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَمْرُهُنَّ بِبَيْنِكُمْ مَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَتْرَضِعْ لَهُ أُخْرَى. همانجا که سکونت دارید به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها زیان مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ نکند و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود مشورت کنید و اگر کارتان با هم به دشواری کشید دیگری شیر دهد.

سوره بقره، آیه ۲۳۳. وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلُهُ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِي آلَا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند برای کسی که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و خوراک و پوشاک آنان به طور شایسته بر عهده پدر است هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند] و مانند همین بر عهده وارث هست پس اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر کودک را از شیر بازگیرند گناهی بر آن دو نیست و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید بر شما گناهی نیست به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته اید به طور شایسته بپردازید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

^{۲۸} نقل از مجله زن روز و کتاب نظام حقوق زن در اسلام.

^{۲۹} حضرت حاج دکتور نورعلی تابنده مجدوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

جوانان زیادی نمی‌توانند شوهر یابند. لذا محدودیت تعدد زوجات باعث محدود کردن بسیاری از زنان از داشتن شوهر و حامی و همچنین برخلاف طبیعت قوای جنسی در مرد است. و این موضوع بطور فطری مرد مفضول به حمایت زوجه یا زوجه‌های خود است و طبیعت او را به حمایت از زن و مخصوصاً زنان خود وامی‌دارد. از اینرو خداوند در سوره نساء به گونه‌ای مردان را تحریض به این کار می‌کند که برای اینکه از اموال یتیمان استفاده نمایید زنان را دو تا دو تا، سه تا سه تا، چهار تا چهار تا به نکاح خود درآورید تا مجاز باشید از اموال یتیمان تا زمان رشد کودک استفاده نمایید.^{۳۰} معذک می‌فرماید: ^{۳۱} «در عرب دوره جاهلیت تعدد مرسوم و اندازه آن معین نبود و در شرع به چهار زن محدود شد، با شرط عدالت و اقتدار بر نفقه و کسوه که دنباله آیه است: فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً^{۳۲} یعنی در صورت عدم امکان عدالت به یک زن اکتفا کرده بیشتر از یکی نگیرید که موجب نفاق و افسردگی بشود. ولی کم کسی است که بتواند صحیحاً عدالت کند بلکه عدالت حقیقی پیدا نشود، لذا بعداً آیه نازل شد: وَلَنْ تَسْتَ يَعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَوْتُمْ^{۳۳} که مراد عدالت در مودت قلبی یا عدالت حقیقی و من جمیع الجهات است. معنی ظاهر آیه این است: البته نتوانید عدالت نمایید بین زنها اگرچه حریص باشید بر عدالت بین آنها، پس خیلی بدان مایل نشوید که زنها را بلا تکلیف بگذارید، به هر اندازه از عدالت که بر آن قادر هستید عمل کنید و از آن اعراض ننمایید. که اگر عدالت را به طور کلی ترک نمایید زن خودتان را بلا تکلیف و سرگردان و معلقه نموده‌اید، یعنی نه بی شوهر است که در کار خود مختار باشد و نه شوهری دارد که به او با لوازم شوهری رفتار نماید که می‌فرماید: فَلَا تَمِيلُوا كِلَ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلُوقَةِ^{۳۴}. ... پس معلوم می‌شود که نظر شارع مقدس اسلام بر تعدد نبوده بلکه منظور از تشریح آن موارد ضرورت بوده که موجب عسر و حرج و وقوع در محرم نشود. ... در بعضی موارد هم تعدد لازم است و اگر تشریح نمی‌شد موجب عسر و حرج بود، از جمله: موردی است که زن بیمار می‌باشد یا جهات دیگری مانع از مضاجعت بشود و مدت آن هم طولانی باشد؛ از طرف دیگر مرد نیز مایل به مضاجعت است به قسمی که اگر زن دیگری نگیرد موجب وقوع در معصیت و امر حرام می‌شود، در این مورد تعدد روا است. بلکه همانطور که خوف وقوع در معصیت با تمکن از نفقه و کسوه زن سبب وجوب نکاح ابتدایی می‌شود، گاهی این علت ایجاب نکاح ثانوی نیز می‌کند. یا در موردی که زن اولادآور نیست یا سن او مقتضی فرزند نیست و مایل به طلاق هم نیست ولی به نکاح ثانوی برای شوهر راضی است، در این صورت نیز تعدد جایز است که برای مرد حفظ نسل بشود. یا آنکه مردی در سفر مریض شده و پزشکان دستور زن گرفتن به او داده‌اند، در این مورد هم گاهی واجب

^{۳۰} سوره نساء، آیات ۲-۳. وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْسَ بِالْيَبِّ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا. وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذَىٰ أَلَّا تَعْلَمُوا. و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید و [مال پاک] و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است. و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان که شما را پسند افتاد دو دو سه سه چهار چهار به زنی بگیرید پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید [اکتفا کنید] این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید.

^{۳۱} حضرت حاج سلطانحسین تابنده گنابادی، رضاعلیشاه ثانی، تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا، انتشارات حقیقت، چاپ چهارم ۱۳۷۲.

<http://www.sufism.ir/>

^{۳۲} - سوره نساء آیه ۳.

^{۳۳} - سوره نساء آیه ۱۲۹.

^{۳۴} - سوره نساء آیه ۱۲۹.

می‌شود. یا در موارد جنگ و کشته شدن مردها و لزوم تعهد هر یک از مردهایی که زنده‌اند از چند زن. در این مورد اگر اجازه تعدد نباشد به مفاسدی منجر خواهد شد، مخصوصاً اگر طرفین جوان باشند. مواردی دیگر نیز هست که تعدد زوجات را مقتضی است. پس اجازه و تشریح تعدد در موارد لزوم مطابق حکم عقل است ولی به شهوترانی محض و از روی هوس روا نیست».

متعہ یا نکاح منقطع در زمان رسول اکرم (ص) تجویز شد. عمر خلیفه دوم استدلال کرد که چون مقتضیات تشریح متعہ فرق کرده آن را منسوخ نمود. لذا این نهاد حقوقی مختص فقه شیعه است. بعد از جنگ بین الملل دوم بخصوص در آلمان بسیاری از متخصصین معتقد شدند که قوانینی ولو موقت تصویب گردد و تعدد زوجات و نکاح آزمایشی مجاز شود، و قاضی آمریکائی بن لندزی^{۳۵} و برتراند راسل نیز با مطالعه در وضع جوانان و موقعیتهای اجتماعی ازدواجی را به نام ازدواج آزمایشی پیشنهاد کردند که زن و مردی قبل از تصمیم به ازدواج قطعی و ابدی مدتی بعنوان آزمایشی با یکدیگر ازدواج کنند. و استاد آمریکایی ویلم وان لون پیشنهاد کرد که ازدواج موقت اجازه داده شود. امروزه در غالب کشورهای غربی طلاق به تراضی زوجین را اجازه می‌دهند و در کشورهایی هم مانند فرانسه که طلاق به تراضی را نمی‌پذیرند رویه قضائی چنان روشی را اتخاذ کرده که عملاً تراضی موجب طلاق می‌شود. لذا باید گفت وقتی که به زوجین اجازه داده می‌شود با تراضی از هم جدا شوند و طلاق جاری گردد چه مانعی دارد که این تراضی در اول عقد ازدواج باشد یعنی همین تراضی را در اول امر بیان کرده و حین انعقاد عقد ازدواج توافق کنند که در موعد معینی از هم جدا شوند گرچه غالباً معتقدند نکاح منقطع نکاح محدود به عدد نمی‌باشد و مرد هرچند نفر بخواهد می‌تواند متعہ نماید ولی بعضی نیز بر این باورند که چون تعداد زنان به چهار نفر محدود شده این تعداد شامل متعہ نیز می‌شود یعنی یک مرد جمعاً بیش از چهار نفر زن نمی‌تواند داشته باشد چه دائم و چه منقطع.^{۳۶} مضاف بر این، عکس موضوع یعنی تعدد زوج برای یک زن^{۳۷} موجب انواع اختلال در زنان و جامعه می‌شود. مضافاً مذکور می‌دارد:

۲۴- مرد و زن هنگام انعقاد قرارداد ازدواج می‌توانند هر شرط مورد توافق طرفین را در متن عقد بگنجانند و منجمله می‌توانند توافق نمایند که مرد زنان متعدد اختیار کند یا بر این موضوع موافقت ننمایند.

۲۵- تعدد زوجات برای مرد به شرط عدالت^{۳۸} بین زنان جایز است.

35 - Benjamin Barr Lindsey

^{۳۶} حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجدوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

^{۳۷} می‌گویند در بعضی قبایل در دورانهای قدیم سیستم چندشوهری مورد قبول بوده است که امروز شاید بتوان گفت در دنیا نمونه ندارد. ویل دورانت در مورد رسم چندشوهری می‌نویسد «این کیفیت در قبیله‌های تودا بعضی قبایل ثبت قابل مشاهده است». (نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، صفحه ۱۳۳). منتسکیو می‌نویسد ابوالظہیر الحسن جهانگرد عرب در قبایل مرز هندوستان و چین به این رسم برخورد کرده آنگاه وی از قبیله‌ای بنام نائیر نام می‌برد که چندشوهری در آن معمول بوده است و سپس علت امر را آن می‌داند که چون مردان باید وظیفه دفاع را بعهده بگیرند این رسم برقرار شده است و علاقه خانواده و زن و فرزند در مردان ضعیف باشد و مانع کار آنان نگردد. در بعضی قبایل (و منجمله قبایل وحشی جزایر ملانزی) سیستم مادرسالاری مستقر است و زن اختیار تسلط دارد. این نظام نیز به دنباله تحولات اجتماعی و بخصوص اقتصادی متروک شده و شاید بزودی از بین برود.

حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجدوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

^{۳۸} سورة نساء، آیه ۱۲۹. وَلَنْ تَسْتَ يَغُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَّكُمْ فَلَا تَقِيلُوا كُلِّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُ لِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا

طلاق و فوت

طلاق به رغم اینکه خدا آن را حلال کرده و اجازه داده است، ولی چیزی در امور حلال به اندازه طلاق منفور نیست. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «ما أحل الله شيئاً أبغض إليه من الملاق» و علی (ع) می‌فرماید: «إن الله يبغض كل ملاق ذواق». در این باب دستورات اسلام به گونه‌ای است که گویی خداوند تبارک و تعالی همانند پدری که نسبت به متارکه فرزند خود افسوس می‌خورد^{۳۹} طلاق را تشریح فرموده است و همانطور که در آیات سوره طلاق مبرهن است پس از سفارشات شدید و اکید به طلاق دهنده درباره زن مطلقه در مقام تهدید به طلاق‌دهنده هشدار^{۴۰} می‌دهد و در عوض مطلقه را دلداری^{۴۱} می‌فرماید. در حقوق مسیحیت نکاح ابدی تلقی می‌شد و قابل انحلال نبود. بعضی از روحانیون مسیحی طلاق را در مورد ارتکاب زنا از طرف زن اجازه می‌دادند اما در قرون قبل از رفرم پروتستان‌ها این نظریه نیز از بین رفت و ابدیت آن مطلق گردید. عملاً چون مواردی پیش آمد که زوجین نمی‌توانستند با یکدیگر زیست نمایند یک نحوه جدائی خاصی بنام جدائی بدنی پیش‌بینی شده بود که زوجین به صورت مجزا از هم زندگی می‌کردند و از بسیاری وظائف و تعهدات زوجیت معاف می‌شدند اما علقه قانونی زوجیت بین آنان برقرار می‌ماند. پروتستان‌ها در رفرمی که نمودند طلاق را نیز پذیرفتند و حتی موارد آن را از نظریات سابقین نیز بیشتر توسعه دادند و مقید به زنا نکردند.^{۴۲} در این ارتباط موارد زیر ذکر می‌شود:

۲۶- عموم تأکید بر عدم تفرقه^{۴۳} و سازش زن و شوهر و عدم نشوز طرفین است^{۴۴} هرچند در صورت عدم سازش

رجیمًا، و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید هر چند [بر عدالت] حریص باشید پس به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن [زن] دیگر] را سرگشته [= بلا تکلیف] رها کنید و اگر سازش نمایید و پرهیزگاری کنید یقیناً خدا آمرزنده مهربان است. سوره نساء، آیه ۳. وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِمُوا فِي الْيَمِينِ فَإِنَّكُمْ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثَلًا ثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُعَدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا. و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان که شما را پسند افتاد دو سه چهار چهار به زنی گیرید پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید [اکتفا کنید] این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید.

^{۳۹} سوره طلاق، آیه ۱. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمَّوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْزُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا. ای پیامبر چون زنان را طلاق گوید در [زمان‌بندی] عده آنان طلاقشان گوید و حساب آن عده را نگه دارید و از خدا پروردگارتان بترسید آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند این است احکام الهی و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد قطعاً به خودش ستم کرده است نمی‌دانی شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد.

^{۴۰} سوره طلاق، آیه ۵. ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا. این است فرمان خدا که آن را به سوی شما فرستاده است و هر کس از خدا پروا کند بدیهایش را از او بزداید و پاداشش را بزرگ گرداند.

^{۴۱} سوره طلاق، آیه ۳. وَيُرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است خدا فرمانش را به انجام رساننده است به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است.

^{۴۲} حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجدوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

^{۴۳} سوره بقره، آیه ۱۰۲. وَاتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا مِنَ السَّيِّئَاتِ عَلَىٰ مَلِكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ

منعی بر جدایی نیست.^{۴۵}

۲۷- برای حل اختلاف بین زن و مرد دستور به حل اختلاف از طریق دو داور علاقمند به اصلاح از طرف دو خانواده زن و شوهر است.^{۴۶}

۲۸- اختیار طلاق به دلیل ثبات نسبی روحی وی و قلت نسبی احساسات در وی با مرد است.

۲۹- برای برقراری ثبات خانواده اختیار طلاق با مرد است، زیرا زن نسبت به مرد زودرنجتر است و به مختصر کدورتی ممکن است طلاق دهد. در موارد خاصی نظیر وقتی که مرد غایب مفقودالاثرا باشد، استنکاف شوهر از دادن نفقه یا عدم قدرت او برای انفاق، یا امتناع از ادای سایر وظایف زوجیت، سوء معاشرت، و ابتلاء شوهر به بیماری صعب العلاج به زن اجازه داده شده است که خود را مطلقه سازد.

۳۰- اگر قبل مجامعت زن طلاق داده شود در صورت عدم تعیین مهر باید زن را متناسب به وضع مالی خود از متاعی معروف بهره‌مند سازد.^{۴۷} و اگر مهریه معین شده باشد مکلف به ادای نصف آن است مگر که زن یا کسی که نکاح زن به دست اوست ببخشد.^{۴۸}

بَابُ هَاوُوتَ وَمَاوُوتَ وَمَا يُعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. و آنچه را که شیطان[صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان[صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلا به او] می‌گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم پس زنهار کافر نشوی [ولی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی‌رسانید و قطعاً دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت بهره‌ای ندارد و چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند.

۴۴ سورة نساء، آیه ۱۲۸. وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بُعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُبَاحَا بَيْنَهُمَا لَمْحًا وَاللُّحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گرایند که سازش بهتر است و [ولی] بخل [و بی‌گذشت بودن] در نفوس حضور [و غلبه] دارد و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۴۵ سورة نساء، آیه ۱۳۰. وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا. و اگر آن دو از یکدیگر جدا شوند خداوند هر یک را از گشایش خود بی‌نیاز گرداند و خدا همواره گشایشگر حکیم است.

۴۶ سورة نساء، آیه ۳۵. وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِفْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا. و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید اگر سر سازگاری دارند خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد آری خدا دانای آگاه است.

۴۷ سورة بقره، آیه ۲۳۶. لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا هُنَّ فَرِيضَةٌ وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ. اگر زنان را مادامی که با آنان نزدیکی نکرده و برایشان مهری [نیز] معین نکرده‌اید طلاق گوید بر شما گناهی نیست و آنان را به طور پسندیده به نوعی بهره‌مند کنید توانگر به اندازه خود و تنگدست به اندازه خود شایسته نیکوکاران.

۴۸ سورة بقره، آیه ۲۳۷. وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ هُنَّ فَرِيضَةً فَبِهِمَا مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ

۳۱- اگر مرد خواست زن خود را طلاق دهد و زن دیگری بستاند مجاز به پس گرفتن اموال داده شده به زن اول خود نیست.^{۴۹}

۳۲- اگر مرد پنج بار سوگند مؤکد به رمی^{۵۰} زوجه خود بخورد، رابطه نکاح آنان قطع و زن مستوجب کیفر

۳۳- پشیمانی مرد ازظهار زوجه خود و تمایل او به رجوع به زوجه خود با تحمیل پرداخت خسارت بر مرد از طریق کفاره قابل قبول است.^{۵۲}

تَعْمُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید طلاقشان گفتید در حالیکه برای آنان مهری معین کرده‌اید پس نصف آنچه را تعیین نموده‌اید [به آنان بدهید] مگر اینکه آنان خود ببخشند یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد و گذشت کردن شما به تقوا نزدیکتر است و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش نکنید زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.
۴۹ سورة نساء، آیات ۲۱-۲۰. وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قَدْرًا فَإِلَّا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا. وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَاهُ مِنَكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا و اگر خواستید همسری [دیگر] به جای همسر [پیشین خود] ستانید و به یکی از آنان مال فراوانی داده باشید چیزی از او پس مگیرید آیا می‌خواهید آن [مال] را به بهتان و گناه آشکار بگیرید. و چگونه آن را می‌ستانید با آنکه (آب) بعضی از شما بر بعضی ریخته شده و آنها (زنان) از شما (مردان) پیمانی استوار گرفته‌اند.

۵۰ سورة نور، آیات ۲۵-۲۳. وَإِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقُّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ. بی گمان کسانی که به زنان پاکدامن بی خبر [از همه جا] و با ایمان نسبت زنا می‌دهند در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برای آنها عذابی سخت خواهد بود. در روزی که زبان و دستها و پاهایشان بر ضد آنان برای آنچه انجام می‌دادند شهادت می‌دهند. آن روز خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می‌دهد و خواهند دانست که خدا همان حقیقت آشکار است.

۵۱ سورة نور، آیات ۱۰-۶. وَالَّذِينَ يَزْمُونَ أَرْوَاحَهُمْ وَمَنْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ. وَالْحَامِسَةَ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ. وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ. وَالْحَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ. وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ. و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند و جز خودشان گواهانی [دیگر] ندارند هر یک از آنان [باید] چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راستگویان است. و [گواهی در دفعه] پنجم این است که [شوهر بگوید] لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. و از [زن] کیفر ساقط می‌شود در صورتی که چهار بار به خدا سوگند یاد کند که [شوهر] او جدا از دروغگویان است. و [گواهی] پنجم آنکه خشم خدا بر او باد اگر [شوهرش] از راستگویان باشد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و اینکه خدا توبه پذیر سنجیده کار است [رسوا می‌شدید].

۵۲ سورة مجادله، آیات ۴-۱. قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ. الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ. وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تُوعِظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَ يَوْمَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْعَ فِإِطْعَامَ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ. خدا گفتار [زنی] را که در باره شوهرش با تو گفتگو و به خدا شکایت می‌کرد شنید و خدا گفتگوی شما را می‌شنود زیرا خدا شنوای بیناست. از میان شما کسانی که زنانشان راظهار می‌کنند [و می‌گویند پشت تو چون پشت مادر من است] آنان مادرانشان نیستند مادران آنها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند و قطعاً آنها سخنی زشت و باطل می‌گویند و [لی] خدا مسلماً درگذرنده آمرزنده است. و کسانی که زنانشان راظهار می‌کنند سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر همخوابگی کنند بنده‌ای را آزاد گردانند این است که بدان پند داده می‌شود و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و آن کس که [بر آزاد کردن بنده] دسترسی ندارد باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد این برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود خدا و کافران را عذابی پردرد خواهد بود.

۳۴- اگر مرد ترک همبستری با زوجه خود نمود و بر این امر سوگند یاد کرد (ایلاء) اگر به زن خود بازگردد باکی نیست.^{۵۳}

۳۵- طلاق پس از طی مدت انتظار عدّه^{۵۴} قابل تحقّق خواهد بود^{۵۵} و تا پایان عدّه^{۵۶} باید زن را در محل سکونت خود سکونت دهد و مرد نباید بر او تنگ گیرد^{۵۷} و باید رزق او را تأمین نماید.^{۵۸}

۳۶- چنانچه دو بار طلاق و رجوع واقع شد، بعد طلاق بار سوم امکان رجوع برای مرد نیست مگر بعد از ازدواج زن با مردی دیگر و طلاق از او.^{۵۹}

^{۵۳} سورة بقره، آیات ۲۲۷-۲۲۶. لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّؤُا رُبْعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. وَإِنْ عَزَمُوا الِالْاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. برای کسانی که به ترک همخوابگی با زنان خود سوگند می‌خورند [=ایلاء] چهار ماه انتظار [و مهلت] است پس اگر [به آشتی] بازآمدند خداوند آمرزنده مهربان است و اگر آهنگ طلاق کردند در حقیقت خدا شنوای داناست.

^{۵۴} سورة طلاق، آیه ۴. وَاللَّائِي يَتَسَوْنَ مِنَ الْمُحْضِرِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا. و آن زنان شما که از خون دیدن [ماهانه] نومیدند اگر شک دارید عدّه آنان سه ماه است و [دخترانی] که [هنوز] خون ندیده‌اند [نیز] عدّه‌شان سه ماه است [و زنان آبستن مدتشان این است که وضع حمل کنند و هر کس از خدا پروا دارد [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد.

^{۵۵} سورة بقره، آیه ۲۲۸. وَاللَّهُ لَمَقَاتٌ يَتَرَبَّؤُا بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُعَوِّظُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِالْحَا وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده پوشیده دارند و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند به بازآوردن آنان در این سزاوارترند و مانند همان که بر عهده زنان است بطور شایسته به نفع آنان [بر عهده مردان] است و مردان بر آنان درجه برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است.

^{۵۶} سورة طلاق، آیات ۱-۲. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَإِنْ لَقِيتُمْهُنَّ النَّسَاءَ فَلَقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَخْرُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِالَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَتَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا. فَإِذَا بَلَغَ الْأَجَلُ فَمَسْكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوَعِّظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. ای پیامبر چون زنان را طلاق گوئید در [زمان بندی] عدّه آنان طلاقشان گوئید و حساب آن عدّه را نگه دارید و از خدا پروردگارتان بترسید آنان را از خانه هایشان بیرون نکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند این است احکام الهی و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد قطعاً به خودش ستم کرده است نمی‌دانی شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد. پس چون عدّه آنان به سر رسیده به شایستگی نگاهشان دارید یا به شایستگی از آنان جدا شوید و دو تن [مرد] عادل را از میان خود گواه گیرید و گواهی را برای خدا به پا دارید این است اندرزی که به آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد داده می‌شود و هر کس از خدا پروا کند برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد.

^{۵۷} سورة طلاق، آیه ۶. أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِنِصَّتِهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَمْرُهُمْ بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَمَشْوَصٌ لَهُ الْآخِرَى. همانجا که سکونت دارید به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها زیان مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود مشورت کنید و اگر کارتان با هم به دشواری کشید دیگری شیر دهد.

^{۵۸} سورة طلاق، آیه ۷. لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِالَّا مَا آتَاهَا سَبَّحَ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرِ يُسْرًا. بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می‌کند.

^{۵۹} سورة بقره، آیات ۲۳۰-۲۲۹. الِالْاقَ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِالَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا

۳۷- پس از طلاق مرد مجاز به آزار زن یا تعدی به حقوق وی^{۶۰} یا منع زن از ازدواج مجدد^{۶۱} نیست.

۳۸- در صورت فوت مرد زن پس از انتظار عدّه مجاز به ازدواج مجدد است.^{۶۲} مردان در ایام عدّه وفات مجاز به خواستگاری نیستند.^{۶۳}

۳۹- قبل از فوت مرد موظف است تا برای ازواج خود متاعی وصیت کند تا یکسال از آن بهره‌مند شوند و دیگران حق ندارند او را از خانه شوهر متوفی بیرون کنند.^{۶۴} حتی مرد لازم است برای زنان طلاق داده خود نیز متاعی

حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ حُفَّتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ طَلَّ أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. طلاق [رجعی] دو بار است پس از آن یا [باید زن را] بخوبی نگاه داشتن یا به شایستگی آزاد کردن و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید چیزی بازستانید مگر آنکه [طرفین] در به یا داشتن حدود خدا بیمناک باشند پس اگر بیم دارید که آن دو حدود خدا را برپای نمی‌دارند در آنچه که [زن برای آزاد کردن خود] فدیة دهد گناهی بر ایشان نیست اینست حدود احکام الهی پس از آن تجاوز مکید و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند آنان همان ستمکارانند. و اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق گفت پس از آن دیگر [آن زن] برای او حلال نیست تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند پس اگر [شوهر دوم] وی را طلاق گفت اگر آن دو [همسر سابق] پندارند که حدود خدا را برپا می‌دارند گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر بازگردند و اینها حدود احکام الهی است که آن را برای قومی که می‌دانند بیان می‌کند.

۶۰ سوره بقره، آیه ۲۳۱. وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تَمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. و چون آنان را طلاق گفتید و به پایان عده خویش رسیدند پس بخوبی نگاهشان دارید یا بخوبی آزادشان کنید و [الی] آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید و هر کس چنین کند قطعاً بر خود ستم نموده است و آیات خدا را به ریشخند مگیرید و نعمت خدا را بر خود و آنچه را که از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده و به [وسیله] آن به شما اندرز می‌دهد به یاد آورید و از خدا پروا داشته باشید و بدانید که خدا به هر چیزی داناست.

۶۱ سوره بقره، آیه ۲۳۲. وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَرْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. و چون زنان را طلاق گفتید و عده خود را به پایان رساندند آنان را از ازدواج با همسران [سابق] خود چنانچه بخوبی با یکدیگر تراضی نمایند جلوگیری مکید هر کس از شما به خدا و روز بازپسین ایمان دارد به این [دستورها] پند داده می‌شود [مراعات] این امر برای شما پربرکت تر و پاکیزه تر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

۶۲ سوره بقره، آیه ۲۳۴. وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّؤْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا تَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند پس هرگاه عده خود را به پایان رساندند در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند گناهی بر شما نیست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۶۳ سوره بقره، آیه ۲۳۵. وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خَبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَذَكَّرُونَ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ. و در باره آنچه شما به طور سر بسته از آنان [در عده وفات] خواستگاری کرده یا [آن را] در دل پوشیده داشته‌اید بر شما گناهی نیست خدا می‌داندست که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید مگر آنکه سخنی پسندیده بگویند و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید تا زمان مقرر به سرآید و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید پس از او برترسید و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است.

۶۴ سوره بقره، آیه ۲۴۰. وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَرِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. و کسانی از شما که مرگشان فرا می‌رسد و همسرانی بر جای می‌گذارند [باید] برای همسران خویش وصیت

معروف در نظر گیرد و وصیت نماید.^{۶۵}

روابط خارج از ازدواج

منع تعدد زوجات و نبودن نهاد حقوقی متعه در کشورهای مغرب زمین روابط خارج از ازدواج را فراوان کرده است و چه بسا تعداد آن از ازدواج بیشتر باشد عمده تر آنکه نظر جامعه و مردم نیز متدرجاً با اغماض بیشتری به اینگونه روابط می‌نگرد و زن و مردی را که ازدواج نکرده‌اند و بعنوان دوستی و یا همزیستی با هم زندگی می‌کنند چندان تقبیح ننموده و حتی احیاناً تا حدودی برسمیت می‌شناسد، این شناسائی حتی گاهی نظیر شناختن نسب نامشروع به نظام حقوقی نیز سرایت می‌کند.^{۶۶} روابط جنسی آزاد به مفهوم روابطی که مرد و زن و مخصوصاً مرد متعهد به عواقب ناشی از این نوع رابطه نباشند وجه تمایز اصلی در این ارتباط است. بدین معنی که اگر طرفین طبق قواعد شرع پذیرای عواقب رابطه بین خود باشند رابطه از نوع رابطه آزاد به نکاح معاطات تبدیل شده و نه تنها مذموم نیست بلکه ممدوح نیز می‌باشد. البته این موضوع جدای از روابط ایامی یا محصن با محصنه است که چون بضع زن در ملک مرد است مستوجب حد نیز می‌شود.

۴۰- برقراری رابطه زناشویی بین دو جنس مخالف فقط به شرط قبول تعهد طرفین نسبت به تعهدات ناشی از برقراری روابط زناشویی در چارچوب نکاح دائم یا موقت^{۶۷} قابل قبول است. در این راستا مرد موظف به ایفای تعهدات زناشویی از قبیل صداق زن و نفقه زن و طفل اعم از خوراک و پوشاک و مسکن است و در عوض زن اقدام به تمکین از مرد نموده و مالکیت بضع خود را به مرد اعطاء می‌کند. مفاد عقد و شروط مقبول طرفین ضمن عقد برای نکاح دائم تا زمان استمرار جریان نکاح و پایان مدت عدّه بعد طلاق و برای نکاح موقت تا پایان مدت عقد و تا پایان مدت عدّه برای طرفین لازم الرعایه است.

۴۱- وجه تمایز رابطه جنسی زنا از ازدواج برای دو مجرد اختفای آن است.

۴۲- دوست دختر یا دوست پسر گرفتن^{۶۸} به قصد روابط زناشویی به سبب عدم تعهد طرفین به تبعات زناشویی

کنند که آنان را تا یک سال بهره مند سازند و [از خانه شوهر] بیرون نکنند پس اگر بیرون بروند در آنچه آنان به طور پسندیده در باره خود انجام دهند گناهی بر شما نیست و خداوند توانا و حکیم است.

^{۶۵} سوره بقره، آیه ۲۴۱. وَلِلَّهِ لَقَاطِ مَتَاعٍ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ. و فرض است بر مردان پرهیزگار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی چیزی دهند.

^{۶۶} حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

^{۶۷} سوره نساء، آیه ۲۴. وَالْمُحْرَمَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْرَمِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مقرر با یکدیگر توافق کنید مسلماً خداوند دانای حکیم است.

^{۶۸} سوره مائده، آیه ۵. الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الْيَبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْرَمَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْرَمَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مِنْ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَعْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است و [بر شما حلال

ممنوع است. استثناء وقتی است که طرفین متعهد قبول آثار ناشی از برقراری رابطه طبق قواعد شرع و متحمل مقررات شرعی وضع شده برای خود باشند.

۴۳- تشییع فحشاء^{۶۹} به مفهوم اعلان روابط پنهان زناشویی دیگران و به عبارت حقوقی شهادت غیر مستند به مشاهده و شهادت غیرهمزمان چهار مرد عادل بر زنا، لواط، تفخیز و مساحقه^{۷۰} یا عدم اثبات عدالت شهود مصداق تشییع فحشاء و مستوجب حد^{۷۱} شهود است.

۴۴- روابط خارج از چارچوب توافق ازدواج موجب سلب حقوق مرد و زن از حقوق شرعی آنان نسبت به یکدیگر خواهد شد.

۴۵- زانی و زانیه اگر توبه نکنند و اصلاح نکنند یا نکاح نکنند مستحق حد هستند^{۷۲} و اگر کردند باید از آنها صرف نظر نمایند.^{۷۳}

۴۶- از لحاظ حقوقی بر روابط نامشروع هیچگونه آثاری بار نمی‌شود.

۴۷- حد با درأ^{۷۴} شبهه ساقط می‌شود.

← است ازدواج با [زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید و هر کس در ایمان خود شک کند قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است.

^{۶۹}سوره نور، آیه ۱۹. إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند شیوع پیدا کند برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود و خدا [است که] می‌داند و شما نمی‌دانید.

^{۷۰}سوره نساء، آیه ۱۵. وَاللَّائِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا. و از زنان شما کسانی که مرتکب زشتکاری می‌شوند چهار تن از میان خود بر آنان گواه بگیرید پس اگر شهادت دادند آنان [زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد.

^{۷۱}سوره نور، آیات ۵-۴. وَالَّذِينَ يَزُفُونَ الْأُمَّحَرَّاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شَهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ مِائَتًا جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُحْسِنُونَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند سپس چهار گواه نمی‌آورند هشتاد تازیانه به آنان بزنید و هیچگاه شهادتی از آنها نپذیرید و اینانند که خود فاسقند. مگر کسانی که بعد از آن [بهتان] توبه کرده و به صلاح آمده باشند که خدا البته آمرزنده مهربان است.

^{۷۲}سوره نور، آیه ۲. الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید در [کار] دین خدا نسبت به آن دو دلسوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند.

^{۷۳}سوره نساء، آیه ۱۶. وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُمْ فَأُذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأُحْسِنُوا صُلُوحَهُمَا وَإِنَّمَا كَانَ تَوَابًا رَحِيمًا. و از میان شما آن دو تن را که مرتکب زشتکاری می‌شوند آزارشان دهید پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرف نظر کنید زیرا خداوند توبه پذیر مهربان است.

^{۷۴}سوره نور، آیه ۸. وَيَذُرْهَا عَنْهَا الْعَذَابُ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ. و از وی (زن) کیفر ساقط می‌شود در صورتی که چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او جدا از دروغگویان است.

۴۸- تأسیس و اداره دفاتر یا سایت‌های اینترنتی جفت‌یابی یا موارد مشابه، از مصادیق قوادی نیست.

آزار جنسی و تجاوز

موضوع آزار جنسی نیز رو به افراط گراییده و برخی تا آن حد افراط کرده‌اند که نگاه خاص مرد به زن را از مصادیق آزار جنسی تلقی کرده‌اند که افراط آن بارز است و موجب سؤ استفاده و حتی باج‌خواهی عدّه‌ای نیز شده است. در حقوق اسلام نیت تا مصداق ظاهری و بارز تعدی به حقوق دیگران نداشته باشد مستوجب جزا و کیفر ظاهری نمی‌شود. در این ارتباط به موارد زیر اشاره می‌شود:

۴۹- معیار آزار جنسی زن توسط مرد منوط به اولاً عدم رضایت یا عدم قبول نهایی زن به دریافت آزار مربوطه و ثانیاً جرم بودن آزار وارده با احراز شرایط حقوقی تحقق جرم می‌باشد. برای مثال نظر کردن بد و ممتد یا به دفعات مرد به زن هرچند خلاف دستور قرآن است^{۷۵} ولی مصداق آزار جنسی زن را ندارد. در موارد خاص عدّه وفات شوهر مردان از ابراز خواستگاری بطور سربسته و قول و قرار پنهانی با زنی که شوهرش وفات یافته بر حذر شده‌اند.^{۷۶}

۵۰- همچنین متلک گفتن ساده هرچند خلاف ادب و آداب اجتماعی و برخلاف دستور قرآن است^{۷۷} جرم تلقی

^{۷۵} سوره نور، آیات ۳۱-۳۰. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَرْحَامِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَفْعَلُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَ مِنْ أَرْحَامِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُجُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتِبَاءِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الرِّقَابِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.

^{۷۶} سوره بقره، آیات ۲۳۵-۲۳۴. وَالَّذِينَ يَتُوفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا بَيَّرَهُ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغَ أَجَلَئِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِيبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْتُمْ سَدَّكُرُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ. و کسانی که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار م برند پس هرگاه عده خود را به پایان رساندند در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند گناهی بر شما نیست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و در باره آنچه شما به طور سربسته از آنان خواستگاری کرده یا در دل پوشیده داشته‌اید بر شما گناهی نیست خدا می‌داندست که به زودی به یاد آنان خواهید افتاد ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید تا زمان مقرر به سر آید و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند پس از او بترسید و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است.

^{۷۷} سوره حجرات، آیه ۱۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْعَى قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللُّقَابِ بِنَسِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و

نمی‌شود که مستوجب کیفر ظاهری باشد به شرطی که متلک مشمول بر شرایط قذف نشود. ولی دستمالی که شرایط تفخیز یا سُحْق داشته باشد از مصادیق جرم تلقی می‌شود.

۵۱- تجاوز به عُنْف به یک طرف از عمل مربوطه راضی نیست از مصادیق بارز آزار جنسی است.

۵۲- اگر زن در قبال پیشنهاد دریافت امتیاز اعم از امتیاز شغلی یا مادی یا غیره به برقراری رابطه جنسی تن دردهد آزار جنسی محقق نمی‌شود ولی اگر برای برقراری رابطه جنسی تهدید شود به شرطی که تهدید مبنی بر قطع امتیازات یا امکانات متعلق به خود که مرد در اختیار زن قرار داده نباشد آزار جنسی مصداق می‌یابد.

۵۳- آزار جنسی حق الناس تلقی می‌شود و تلقی جرم برای آن منوط به مطالبه فرد آزار دیده است.

۵۴- رضایت آزار دیده آنرا موجب سقوط حقّ وی می‌شود. ولی چنانچه مقاربت با رضایت زن صورت گیرد ولی موجب افضاء یا صدمه جسمانی به زن گردد موجب ضمان و مستوجب پرداخت دیه به زن است.

۵۵- ازاله بکارت با مقاربت و بدون رضایت زن موجب ضمان مهرالمثل است و ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست.

دگرباشی، تراجنسی و همجنسگرایی

اهم غرایز موجود در کلیه حیوانات و منجمله انسان غریزه صیانت نفس و بقای نوع است، در تفوق هر یک از این دو بر دیگری نظریات متفاوت است. گروهی غریزه صیانت نفوس را اقوی دانسته و غریزه جلب لذت را که جزء این غریزه است حاکم بر زندگی بشر می‌دانند و می‌گویند اگر حیوان به تولید نسل اقدام می‌کند از این نظر است که به ادامه حیات خویش علاقمند است و فرزند را بمنزله دنباله وجود خویش دانسته و با بقای وی خود را زنده حس می‌کند. گروهی دیگر غریزه حفظ بقای نوع را اقوی قانون لایتغیر طبیعت می‌دانند می‌گویند و اگر جاندار به وجود خویش علاقمند است و آن را حفظ می‌کند از آن نظر است که حفظ و بقای نوع از طرف طبیعت به او دستور داده شده است و صیانت نفس از اجزاء غریزه حفظ نوع است. شوپنهاور^{۷۸} معتقد است که طبیعت برای تحمیل نظر خود وادار کردن جانداران به حفظ نسل و اینکه مشتقات آن را تحمل کنند دسیسه‌ای چیده است به این معنی که رابطه جنسی را در نر و ماده حیوانات بصورت لذت و نیاز شخصی درآورده است تا آنان به قصد رفع نیاز جنسی خویش به یکدیگر نزدیک شوند و طبیعت بدینوسیله قانون خود را تحمیل کند. انسان نیز از حیثیت غریزه از سایر حیوانات جدا نیست و فقط به نیروی عقل بر غریزه مهار می‌زند و آن را در مسیر عقلانی بکار می‌برد و الا نابود کردن غریزه و مبارزه با آن و یا محدودیت بیجا در راه اعمال آن مخالف با مصلحت حیات است.^{۷۹} لذا باید گفت که هر مقرراتی که در مسیر مخالف با تولید نسل و حفظ نوع و تشکیل خانواده مستحکم که جزء فطرت و غریزه انسان است باشد یا موجب تضعیف آن شود برخلاف طبیعت است.

←

به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.
سوره همزه، آیه ۱. **وَيَلِّ لِكُلِّ هَمَزَةٍ لَمَزَةٌ**. وای بر هر بدگوی عیبجو.

78 - Schopenhauer

^{۷۹} حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

عده‌ای با طرح وضع حقوق برای روابط جنسی همجنسان موجب اشاعه این نوع روابط شده‌اند که به دلیل اینکه این نوع روابط دور از طبیعت تناسل در بشر است و منجر به تولد فرزند نمی‌شود علی‌القاعده حقوق جدیدی سوی همان روابط دوستی ساده بین همجنسان مستحق اعطای حقوق جدید نیست و بلکه نباید با تبلیغ این نوع اعمال موجب انحراف نسل بشر از موضوع تناسل گردید. لذا اسلام حقوقی برای این دسته قائل نشده و تا وقتی این نوع اعمال به تجاهر نکشیده باشد با مرتکب آن برخوردی ندارد و او را از طریق دستورات اخلاقی بصورت فردی نهی می‌نماید.

به عبارت دیگر تعریف هرگونه رابطه بین مرد و زن بر مبنای نیازهایی است که طبیعت برای بقای آن دو و نسل بشر مقرر کرده و حقوق ناشی از رابطه آن دو منبعث از آثار و عواقب رابطه آنان در جامعه و نسل است. چنانچه این رابطه منجر به اثری در جامعه نباشد اتخاذ حقوقی مازاد بر حقوقی که افراد در ارتباط با یکدیگر در جامعه دارند مصداق عدل نیست زیرا عدل به معنی قرار دادن شیء در موضع له است. برای مثال حقوق همکلاسی‌ها در چارچوب قوانین موضوعه بدون نیاز به تشریح قوانین جدید در این ارتباط قابل تعریف است. حال چگونه حقوق جدیدی برای همکلاسی‌هایی که روابط جنسی (اعم از غیر همجنس یا همجنس) دارند می‌توان تعریف نمود. اگر رابطه ایشان از نوع غیر همجنس باشد که می‌تواند موجب اثر در نسل و نتیجتاً عواقب متعدد در طول حیات آنها و بعد از مرگ ایشان شود که حقوق موضوعه بدان پرداخته است. ولی بیش از این، رابطه همجنسان موجب اثر در نسل نیست و نتیجتاً اثری هم در حقوق آنها در زمان حیات و بعد از مرگ به وجود نمی‌آورد که مستوجب وضع قانون و حقوق جدید برای آنها باشد.

پدیده تراجنسیتی که بروز زیاد آن در جوامع فعلی را برخی ناشی از استفاده بیش از حد از صنعت برق و امواج الکترومغناطیس^{۸۰} که موجبات تغییر در ترشحات غدد اندوکراین و تغییرات خاص در ژنوم حیوان و انسان را فراهم آورده که سستی جنس نر و تهییج جنس ماده از حیوان را سبب می‌شود و همچنین خوراکی‌های صنعتی و محصولات زراعی «ترانس ژنیک» (دگر ژن/تراریخته) و انواع سموم شیمیایی دفع آفات نباتی (آفت کش‌ها، قارچ کش‌ها، حشره کش‌ها، علف کش‌ها) و کودها و ریزمغذی‌های شیمیایی می‌دانند نیز از مسائل قابل توجه می‌باشد. این موارد سبب انواع اختلالات دگرباشی^{۸۱}، تراجنسی^{۸۲}، همجنسگرایی^{۸۳} و دوجنسگرایی^{۸۴} می‌شود.

در این ارتباط موارد زیر تأکید می‌شود:

۵۶- دگرباش بودن در اسلام جرم نیست و منع نشده ولی مذموم است^{۸۵} و اعطای حقوق زوجیت به دگرباشان مازاد

^{۸۰} بیژن بیدآباد، عوارض امواج الکترومغناطیس بر بهره‌وری و شیوه‌های ایمن‌سازی. مجله توسعه تأسیسات و تجهیزات نشریه انجمن صنفی شرکتهای پیمانکار تأسیسات و تجهیزات صنعتی ایران، قسمت اول در شماره بهار ۱۳۹۰ دوره جدید شماره ۲۸ شماره مسلسل ۸۱ صفحات ۷۹-۶۴. قسمت دوم در شماره تابستان ۱۳۹۰ دوره جدید شماره ۲۹ شماره مسلسل ۸۲ صفحات ۵۷-۵۴.

<http://www.bidabad.ir/doc/electromagnetic-bahrevari.pdf>

^{۸۱} Transvestism

^{۸۲} Transsexual

^{۸۳} Homosexual

^{۸۴} Bisexual

^{۸۵} به رسول خدا (ص) نسبت داده شده که فرمود: چهار طایفه‌اند که خداوند آنان را از بالای عرش خود لعنت می‌کند و ملایکه‌اش بر آن آمین گویند: ۱- کسی است که خود را در حصر و مضیقه بیاندازد و تزویج نکند و کنیز نخرد برای اینکه دارای فرزند نشود. ۲- مردی است که تشبه به زنان پیدا می‌کند و خود را شبیه زنان می‌سازد در حالیکه خداوند او را مذکر آفریده است. ۳- زنی است که خود را شبیه مردان می‌سازد در ←

بر حقوق انسانی آنان موافق با خلقت آنها و طبیعت نیست.

۵۷- همانطور که دوستی و معاشرت عادی دو پسر با یکدیگر یا دوستی و معاشرت دو دختر با یکدیگر موجب حقوقی جدید برای هیچکدام از طرفین نمی‌شود همینطور رفت و آمد دو همجنس با هم و برقراری وطی یا تفخیز یا سحقی مستوجب آن نمی‌شود که جامعه حقوق جدیدی به آنها اعطا نماید.

۵۸- تراجنس بودن مرد یا زن در اسلام تقبیح نشده و ازدواج تراجنس با تراجنس مخالف خود مشتمل بر همه حقوق زوجیت برای هر دو و بحسب حقوق جنسیت فیزیکی آنان است.

۵۹- هر چند فرد در اقدام به جراحی درباره خود و تغییر جنسیت خود مخیر است؛ هر چند تغییر خلق خداوند ناپسند است^{۸۶}، ولی عمل وی موجب نمی‌شود تا حقوق جنسیت فیزیکی وی از او سلب شود و حقوق جنس مخالف به او اعطاء شود.

۶۰- تنابز، استهزاء و ریشخند بطور کلی ممنوع است^{۸۷} و شامل همه دارندگان گرایش‌های مختلف جنسی نیز می‌شود.

۶۱- مساحقه و لواط و وطی بهایم ممنوع است زیرا موجب از بین رفتن نسل می‌شود و همچنین سبب تضييع حقوق جنس مخالف می‌گردد.^{۸۸}

حالی که خداوند او را مؤنث آفریده است. ۴- کسی است که مردم را گمراه کند و فریب دهد، به فقیر و مسکین گوید: بیا تا تو را چیزی دهم، وقتی فقیر می‌آید می‌گوید چیزی با خود ندارم، و به شخص نابینا می‌گوید: از حیوان بر حذر باش در حالی که جلو او چیزی نیست، و کسی از او آدرس می‌پرسد و او عوضی جواب می‌دهد و او را گمراه می‌کند.

اربع لعنهم الله من فوق عرشه وامنت عليه ملائکته الذي يحرف نفسه فلا يتزوج ولا يتسرى لئلا يولد له، والرجل یتشبه بالنساء وقد خلقه الله ذكراً، او المرأة تتشبه بالرجال وقد خلقها الله انثى، ومضلل الناس يقول للمسكين: هلم اء لك فاذا جاء يقول ليس معي شيء، ويقول للمكفوف: اتق الدابة وليس بين يديه شيء، والرجل يسأل عن دار القوم فيضله.

حضرت حاج ملاسلطانمحمد بیدختی گنابادی، بیان السعادة فی مقامات العبادة، چاپ دوم، در چهار مجلد رقی به زبان عربی، ۱۳۴۴ هجری شمسی، چاپخانه دانشگاه تهران. جلد دهم ترجمه، ذیل آیه ۳۳ سوره نور.

۸۶ سوره نساء، آیه ۱۱۹. وَلَا صَلَاتُهُمْ وَلَا مَنِيَّتُهُمْ وَلَا مَرْئُهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْئُهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْءَ أَنْ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا. و سخت گمراهشان کنم و به آرزوها درافکنم و دستور دهم تا گوش حیوانات را ببرند و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، و هر کس شیطان را دوست بگیرد نه خدا را، به زبانی آشکار سخت زیان کرده است.

۸۷ سوره حجرات، آیه ۱۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بِنَسِ الْإِسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.

سوره الهمزة، آیه ۱. وَبَلِّغْ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لَمَزَةً. وای بر هر بدگوی عیبجو.

۸۸ «از حضرت صادق (ع) پرسیدند که چرا حد در زنا صد تازیانه است و در شراب هشتاد تازیانه و چگونه زنا بدتر شد؟ فرمود: به جهت تضييع نطفه و گذاشتن او را در غیر موضعی که خدا فرمود که حرث شما است. و در فقه الرضا است که حضرت رسول ص فرمود که لواط حرام شده به جهت آنچه که در اوست از فساد و بطلان حق زنها که خداوند ترغیب بر آنها کرده. و معلوم است که حکمت در حرمت لواط فساد حق

۶۲- اثبات رابطه جنسی دو همجنس مگر به تجاهر آشکار از مواردی است که طبق قواعد اثبات فقهی این نوع جرائم قابل اثبات نیست.

۶۳- روابط جنسی دو همجنس، مخالف با هدف طبیعت و نوعی کژروی است. این نوع رابطه موجب حقّ برای هیچکدام از طرفین نمی‌شود و تا وقتی تجاهر به فسق نشود جرم و مستحق جزا نیست.

موارد اخلاقی

زن و مرد در هیچ جامعه‌ای کاملاً آزاد نبوده‌اند که به میل و هوی و هوس مطلق خویش گرد هم آیند و یا به هر انگیزه‌ای بتوانند از هم جدا شوند بلکه جامعه انسانی همواره در تشکیل و اداره و انحلال آن دینظر بوده و مقررات حاکمه‌ای داشته است که تخلف از آن برای افراد مجاز نبوده است. مبنای این مقررات بدو عرف و عادات اخلاقی بوده است. متدرجاً بعضی قواعد اخلاقی بصورت مقررات حقوقی درآمده و ضمانت اجرای اجتماعی پیدا کرده است. قلمرو اخلاق حسنه برحسب زمان و مکان متفاوت است و چه بسا امری که در زمان یا مکان معین مجاز شناخته شده ولی در زمان یا مکان دیگر منافی با اخلاق حسنه باشد. مثلاً ازدواج عمو عمه یا برادرزاده با خاله و خالو با خواهرزاده در حقوق فرانسه طی شرایطی آزاد است ولی در حقوق کشورهای اسلامی مطلقاً با اخلاق حسنه منافات دارد. بطور کلی تشخیص اخلاق حسنه با عرف متداول و قطعی ملت است و عرف در واقع مانند پلی است که قواعد مسلمة اخلاقی را بر علم حقوق تحمیل می‌کند و چه بسا تدریجاً آن را بصورت قانونی مدون درمی‌آورد. منشأ اولیه اخلاق حسنه و مبنای آن در واقع قاعده مذهبی است و تشخیص این مبدا در مسائل جنسی کاملاً روشن است.^{۸۹}

برقراری روابط انسانی بر اساس اخلاق از اهمّ تأکیدات اسلام است و رسول خدا (ص) می‌فرماید من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم.^{۹۰} در فضیلت خدمت کردن عیال و مهربانی کردن با زیردستان می‌فرماید: «بدانکه انسان بحسب نفس حیوانی سباع وار اقتضای تکبر ورزیدن بر زیردستان دارد، و بحسب مقام عقل و لطیفه انسانی که لطیفه الهیه است مقتضی است ترحم کردن و مهربانی نمودن با زیردستان و ضعف و عاجزین، و بحسب این مقام است که گفتند: سید القوم خادم الفقراء، پس آن کس که مناعت بر زیردست و ضعف بفروشد و نسبت به کوچکان و فقیران تکبر ورزد، آن عقل را که مظهر علی (ع) و رحمان است ذلیل و از ملک موروثی خود معزول ساخته و دیگران را بر مسند خلافت او نشانیده، و فی الحقیقه همیشه دوزخ مهیا می‌سازد و خود را در میانه جحیم بعذاب الیم مبتلا دارد، و آن کس که با زیردستان به مهربانی برآید و خدمات آنها را از روی شوق و رغبت بر همه کار اختیار نماید، علی (ع) را بر مسند خلافت نشانیده و کمر خدمت سلمان وار بر میان بسته و نفس حیوانی را که مظهر شیطانست معزول و مخدول نموده و مقام، سلمان

زن و فساد نسل است و ضایع شدن نطفه و به این سبب استمناء را حرام کرده‌اند و وطی در ذبّر زن را حرام کرده‌اند و وطی بهیمة را حرام کرده‌اند و مساحقه زنان را حرام کرده‌اند که اگر مرد به مرد اکتفاء کند و زن به زن امر نسل و تناسل از میان می‌رود».

حضرت حاج ملا علی بیدختی گنابادی، ذوالفقار، در حرمت کشیدن تریاک، چاپ چهارم، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۲، تهران، صص ۷۶-۷۵.

^{۸۹} حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجدوعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.

^{۹۰} إِمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

^{۹۱} حضرت حاج سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، مجمع السعادات، انتشارات حقیقت، چاپ دوم، ۱۳۵۳.

منا اهل البيت، را گرفته، و از این جهت است که اخبار بسیار در فضیلت خدمت عیال و مهربانی با زیردستان و ضعفا و ایتام و فقرا وارد شده است، که حصر جمیع و جمع در کتاب ممکن نیست...»

همینطور در بیان آداب معاشرت با زن و فرزند و سایر می‌فرمایند: ^{۹۲} «باید شخص سالک در معاشرت با تمام اینها به رفق باشد، یعنی هیچیک را به اعمال شاقه تکلیف نکند و زیاده از قدر طاقت و حوصله آنها از آنها توقع نکند و در هنگام امر و نهی به نرمی امر و نهی کند و وقت ملاقات با صورت گشاده و وسعت قلب و لب خندان ملاقات کند و به شیرین زبانی و اظهار محبت امر و نهی کند. و گاهی با زن مزاح و ملاحظه کند و با اطفال هم بازی و همراهی کند مثل آنها که زن و فرزند از دیدن سالک خوشنود و در غیبت او دلگیر باشند که از کلمات بزرگان است که در خانه چون اطفال به مزاح و لعب با آنها مشغول شود و در خارج چون رجال با وقار باشد که فرمودند: هُنَّ لَعِبَاتٌ فَالْعَبُوبَا هِنَّ. که چون سالک ساعتی به ملاحظه با آنها بود تهیج قوه شوقیه بیشتر کند که اگر این ساعت به جهت تلذذات نفسانی ملاحظه کند ساعت ثانی حرارت شوق افزون گردد و توجه به جانب غیب بیشتر شود و آن حضرت صلوات الله علیه از این جهت فرمود که از دنیای شما سه چیز اختیار کردم: بوی خوش، چون این بوی خوش نیز حرارت را به هیجان آورد و قوه شوقیه را مشتد سازد، و زنها را که آنها قوه شوقیه را مشتد سازد، و نور چشم من در نماز است که از جمله دنیا است یعنی آن دو چیز اول اعانت می‌دهند من را بر توجه تام و التذاذ به مناجات حضرت علام. و در آنچه دارد از اسباب راحت، زن و فرزند را بر خود مقدم دارد که در این کار فتوت را از خروس باید آموخت که آنچه بیاید بر جفت خود مبدول دارد و بر او عرضه دارد و بعد خود بخورد و غیرت را هم باید از خروس بیاموزد که خود را در معرض تلف آورد که نگذارد بیگانه نزدیک جفت او رود. و اگر در خارج از کسی غبار ملال بر خاطر او نشیند چون به خانه آید باید او را به شفقت با زن و فرزند از خاطر بزاید نه اینکه به درشتی با آنها خاطر آنها را برنجانند و رنجش خاطر خود را هم دو چندان گرداند و چون داخل شود سبقت به سلام گیرد که همین باعث دلخوشی عیال است چنانکه فرمود: فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً. ^{۹۳} یعنی چون داخل خانه شوید بر اهل خانه سلام کنید چه خانه خود شما باشد و چه غیر خانه خود شما که اهل خانه رد سلام کنند بر شما. و در خدمت خانه تا تواند بر عیال تخفیف دهد؛ اگر خادم و خادمه دارد بر آنها نیز تخفیف دهد بلکه بعضی خدمات را خود متحمل شود.

در جامع الاخبار روایت کرده است که حضرت امیر صلوات الله علیه فرمود که داخل شد بر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله، و فاطمه در پیش دیگ نشسته بود و من عدس پاک می‌کردم. آن حضرت فرمود که ای ابوالحسن از من بشنو و نمی‌گویم مگر از امر پروردگار خود هیچ مردی نیست که اعانت کند زوجه خود را در خانه آن زن مگر اینکه خواهد بود از برای او به قدر هر موئی که بر بدن اوست عبادت یکسال که روزش را روزه بدارد و شبش را در نماز باشد و عطا خواهد کرد خداوند او را ثواب مثل آنچه عطا کرده است صابرین را مثل داود و یعقوب و عیسی را. ای علی کسی که مشغول خدمت عیال باشد در خانه او و تأنف نورزد، اسم او را خداوند در دیوان شهدا ثبت می‌کند و خواهد نوشت از برای او در ازاء هر روز و شبی ثواب هزار شهید را و خواهد نوشت به هر قدمی ثواب حجی و عمره و عطا خواهد کرد در

^{۹۲} حضرت حاج سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، ولایتنامه، انتشارات حقیقت، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

^{۹۳} سوره نور، آیه ۶۱. فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً. پس چون به خانه هایی [که گفته شد] در آمدید به یکدیگر سلام کنید درودی که نزد خدا مبارک و خوش است.

کند که فرمود: وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.^{۹۷} ... فرمود که اگر به اطاعت آمدند بر آنها زیادتی نکنید و تَعْتَفُ زیاد نکنید که چنانکه شما تسلط به زبردست خود دارید خدا را بر شما تسلط و برتریست به هراندازه که از خداوند توقع دارید به همان اندازه رفتار کنید. و هرگاه انسان به همان دستوری که خداوند و خلفای او داده‌اند با اهل و عیال خود رفتار کند خانه خود را برای خود بهشت قرار خواهد داد و دنیای خود را حکم آخرت خواهد بخشید که فرمود: إِنِّي وَصَّيْتُ الرَّاحَةَ فِي الْآخِرَةِ وَالنَّاسُ يَلْبُؤُنَهَا فِي الدُّنْيَا فَمَتَّى يَجِدُونَهَا. یعنی راحتی که باید در آخرت داشته باشد در همین دنیا برای او میسر خواهد شد و به زبان حال خواهد خواند آیه مبارکه: إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَيْنَا عَذَابَ السُّمُومِ.^{۹۸} یعنی آن که از جحیم در دنیا به بندگان خدا می‌رسد ما بواسطه حسن خلق و شفقت بر اهل و زبردستان از آن محفوظیم و دنیائی که صورت جحیم است برای ما آخرت است که غیر نعیم هیچ نمی‌بینیم. و مجمل این است که پیوسته با زبردستان باید به شفقت باشد و از زلات آنها عفو و اغماض داشته باشد و زلات آنها را به قصور و تقصیر خود درباره آنها و درباره خود نسبت دهد و از ناملايمات آنها به هیجان نیاید و اول خود را بر قصور و تقصیر خود ملامت کند و بعد به جهت تنبیه و ردع آنها از آن ناشایست آنها را ملامت کند و نهی کند یا امر کند، و انصاف دهد - به این معنی که منشأ زلات آنها را تقصیر خود داند تا آسان شود عفو کردن از آنها - و از هیچیک انصاف نجویید؛ زیرا که وقتی باید انصاف خواست که عقل آنها را در درجه عقل خود داند و اگر عقل آنها به آن درجه بودی زبردست نمی‌شدند و کَلِمَ النَّاسِ عَلَي قَدْرِ عَقُولِهِمْ را همه وقت منظور نظر دارد.»

در ارتباط با موارد فوق متذکر می‌گردد:

۶۴- خلقت ازدواج برای آرام گرفتن افراد است و خداوند بین آنها دوستی و مهربانی قرار داده است.^{۹۹}

۶۵- مرد به معاشرت نیک با زنان مکلف شده و حتی اگر زن را کراهت داشته باشد توصیه به تحمل زن شده است.^{۱۰۰}

۶۶- باید برای ازدواج افراد مجرد قدم برداشت^{۱۰۱} و آنها را تشویق به ازدواج نمود.^{۱۰۲}

^{۹۷} سورة نساء، آیه ۳۴.

^{۹۸} سورة طور، آیات ۲۷-۲۶.

^{۹۹} سورة روم، آیه ۲۱. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ. و از نشانه‌های او اینکه از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

^{۱۰۰} سورة نساء، آیه ۱۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلْ لَكُمْ أَنْ تَكْرَهُوا نِسَاءَ كُرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَجَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. ای کسانی که ایمان آورده اید برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید [ضراراً زنان را از نکاح کردن منع نکنید] تا بخشی از آنچه را به آنان داده اید [از چنگشان به در] برید مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند و با آنها بشایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوششان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.

^{۱۰۱} سورة نور، آیه ۳۲. وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالْمَلَاحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. بی‌همسران خود و

۶۷- زن و مرد در مورد نمو و تربیت فرزند وظیفه مشترک دارند.^{۱۰۳}

۶۸- زن و مرد به میزان مسئولیت محوله به هر کدام نسبت به یکدیگر وظیفه همسرمداری هستند.^{۱۰۴}

حجاب

همچنین در باب حجاب نسبت به مرد و زن هر دو مطرح می‌فرمایند که:^{۱۰۵} «در اسلام نظر شهوترانی منع شده و تأهل را هم برای بقای نوع امر کرده‌اند، از اینرو در اسلام نظر دوختن به بیگانه منع شده است و در قرآن است:^{۱۰۶} قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْوَهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَفْعَلُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْوَهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا يَعْنِي: ای محمد (ص) بگو به مؤمنین که از نگاه به نامحرم از روی شهوت خودداری نمایند و فروج خود را حفظ کنند که این امر بهتر و پاکتر است برای آنها و خداوند آگاه است به آنچه می‌کنند، و بگو به زنهای مؤمنه که نظر به مردان بیگانه نکنند و حفظ فروج نمایند و زینتهای خویش را ظاهر نکنند مگر

غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید اگر تنگدستند خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست.^{۱۰۲} سوره نساء، آیه ۲۵. وَمَنْ لَمْ يَسْتَعْمِلْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْرِمَاتِ الْمُحْرِمَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْرِمَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ فَعَلِيْنَهُنَّ فِي شَيْءٍ مِمَّا كَانَتْ عَلَى الْمُحْرِمَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَبْرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. و هر کس از شما از نظر مالی نمی‌تواند زنان پاکدامن با ایمان را به همسری درآورد پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند] و خدا به ایمان شما داناست [همه] از یکدیگر پس آنان را با اجازه خانواده شان به همسری [خود] درآوردید و مهرشان را بطور پسندیده به آنان بدهید پاکدامن باشند نه زناکار و دوست‌گیران پنهانی نباشند پس چون به ازدواج [شما] درآمدند اگر مرتکب فحشا شدند پس بر آنان نیمی از عذاب [=مجازات] زنان آزاد است این برای کسی از شماست که از آرایش گناه بیم دارد و صبر کردن برای شما بهتر است و خداوند آمرزنده مهربان است.^{۱۰۳} سوره طلاق، آیه ۶. أَسْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجُوهِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلًا فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَمْرُهُمْ بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَتَسَّرِعُوا لَهُ أُخْرَى. همانجا که سکونت دارید به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها زیان مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود مشورت کنید و اگر کارتان با هم به دشواری کشید دیگری شیر دهد.

سوره بقره، آیه ۲۳۳. وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِدًا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدٌ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِي شَاوٍ عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند برای کسی که بخواد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و خوراک و پوشاک آنان به طور شایسته بر عهده پدر است هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند] و مانند همین بر عهده وارث هست پس اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر کودک را از شیر بازگیرند گناهی بر آن دو نیست و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید بر شما گناهی نیست به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته اید به طور شایسته بپردازید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

سوره بقره، آیه ۱۸۷. هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٍ لَهُنَّ. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.^{۱۰۴}

^{۱۰۵} حضرت حاج سلطانحسین تابنده گنابادی، رضاعلیشاه ثانی، تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا، انتشارات حقیقت، چاپ چهارم ۱۳۷۲.

<http://www.sufism.ir/>

^{۱۰۶} - سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱.

آنچه بالطبع ظاهر باشد. این یک حجاب معنوی است که برای طرفین معین شده، و مقصود واقعی عفت است که بالاترین حجابها است و تمام ملل آن را قبول دارند و لازم می‌دانند. بی‌عفتی و اعمال مخالف عفت و نجابت نزد همه کس و عموم ملل زشت و ناپسند است، و در حجاب مذکور که در قرآن اشاره شده منتهای بروز عفت دستور داده شده و اگر این دستور مجری باشد عفت بهتر محفوظ می‌ماند و فسق و فجور کمتر واقع می‌شود. برای توضیح و تشریح و تکمیل این دستور، خداوند یک حجاب دیگر نیز در قرآن برای زنان دستور داده که فرموده است: ^{۱۰۷} يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ أَوْلَاكُ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ. یعنی: ای محمد بگو به زنان و دختران خود و به زنهاى مؤمنین و گرویدگان که دو طرف چادرهای خود را به یکدیگر نزدیک کنند تا مردان آنها را نشناسند. و نیز فرماید: ^{۱۰۸} وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ. یعنی زنها باید خمار خود را به گریبانهای خود بیندازند. از این دو آیه فهمیده می‌شود که حجاب زنان عرب در صدر اسلام مرکب بوده از جلباب ^{۱۰۹} و خمار ^{۱۱۰} و در بعض کتب اضافه بر آن دو برقع ^{۱۱۱} نیز ذکر شده، ولی از این دو آیه فقط همان دو نوع اول استفاده می‌شود.... ولی پوشیدن صورت از قرآن استفاده نمی‌شود، و هر چند که از بعضی کتب لغت مفهوم می‌شود که در میان عرب پوشیدن صورت نیز معمول بوده و آنچه به صورت می‌انداختند برقع نام گذاشته شده، ولی این قسمت را فقط بعضی ذکر کرده‌اند. از بعضی کتب ادب هم معلوم می‌شود که در جاهلیت عموم زنان یا زنان اشراف صورت را می‌پوشیدند، چنانکه از تاریخ حرب فجار ثانی این مطلب مستفاد می‌شود ^{۱۱۲}، ولی دلیلی از قرآن برای آن نداریم. قدر متیقن آن است که هر چه مخالف عفت باشد حرام است.»

۶۹- دستور به مردان و زنان فروانداختن چشم از نظر کردن به نامحرم است. ^{۱۱۳}

^{۱۰۷} - سورة احزاب آیه ۵۹.

^{۱۰۸} - سورة نور آیه ۳۱.

^{۱۰۹} - جلباب به کسر جیم چون سروال یا به کسر اول و دوّم و تشدید سوّم چون سنّمار، جامه‌ای است که زنان روی لباس خود می‌پوشیدند مانند ردا که همه بدن را از گردن تا پا فرا می‌گرفت، و جلباب را ملحفه نیز نامیده‌اند زیرا بدن خود را در آن می‌پیچیدند، و بعضی ملحفه را غیر جلباب گفته‌اند و پوستین که بعضی آن را ترجمه جلباب کرده‌اند یکی از مصادیق جلباب خواهد بود.

^{۱۱۰} - خمار به کسر اول پارچه روسری را گویند که چهار گوش بوده و برای پوشاندن سرو گردن و مو استعمال می‌شده است.

^{۱۱۱} - برقع به ضمّ اول و سوّم یا به فتح سوّم، یا بر وزن عصفور پارچه‌ای است که به صورت می‌انداختند، در شرح قاموس برقع را رویند زنان گفته است.

^{۱۱۲} - رجوع شود به کتاب مدنیة العرب، تألیف محمد رشدی، مطبعة السعادة در مصر، ۱۳۲۹. ص ۱۶۰.

^{۱۱۳} سورة نور، آیات ۳۱-۳۰. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُوا مِنْ أُمَّهَاتِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَفْعَلُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أُمَّهَاتِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الْقُلُوبِ الَّذِينَ لَمْ يُظْهِرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را فرو اندازند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.

شهادت

در باب شهادت زنان می‌نویسند: ^{۱۱۴} «یکی دیگر از احکام اسلام که شاید بعضی تصور کنند نسبت به زنها توهین است و کوچکتی او را می‌رساند مسئله شهادت است که در اسلام شهادت دو نفر زن برابر یک نفر مرد می‌باشد و در بعضی موارد شهادت آنها اصلاً قبول نیست. ولی اگر دقت شود در اینجا نیز ملاحظه زنها شده چه در امور قضایی که شهادت هم جزء آن است، دقت لازم است. و مذکور داشتیم که زنها رقیق القلب و حسن عاطفه آنها زیاد است و به اندک التماس ممکن است ترخم نموده فریب خورند و برخلاف حق شهادت دهند یا از شهادت صحیحه صرف نظر کنند و برای آنها مظلومه باشد. و این امر هر چند در مردها هم هست لکن از زنها کمتر است. و شارع اسلام در امر شهادت چون نظر به اثبات حق یا حد می‌کند، برای آنکه شهادت ناحق داده نشود در شاهد عدالت و احتراز از دروغ شرط کرده، و در زنها به واسطه همان حالت رقت در امور مهمه از قبیل ثبوت حد و غیر آن شهادتشان پذیرفته نیست، برای اینکه احقاق حق شده حکمی بناحق داده نشود.»

۷۰- در اکثر موارد شهادت دو نفر زن در برابر یک نفر مرد است.

ارث

در باب ارث گوستاو لوبون فرانسوی در کتاب تمدن اسلام و عرب راجع به زنان در اسلام شرح مفصّلی ذکر می‌کند و در ایرادی که بر ارث گرفته‌اند که سهم زن در هر مرتبه نصف سهم مرد معین شده و رد آن می‌گوید ^{۱۱۵}: «اگرچه فروعاتی را که فقها در این باب استخراج نموده‌اند تمام آن در این آیات درج نیست لکن کلیات آن با کمال وضاحت ^{۱۱۶} ذکر شده، و خاصه این احکام را با احکام ارث انگلیس و فرانسه که در حاشیه کتاب با هم مقایسه نموده‌ام، از مطالعه آن که راجع به زنان شوهردار می‌گویند دین اسلام با آنها به طور عدالت رفتار نکرده معلوم می‌شود که هیچ اساس برای آن نیست، بلکه نسبت به احکام ارث اسلام حقوق آنها را بیشتر مراعات کرده است.»

۷۱- زن و مرد هر دو حق بهره‌مندی از ارث دارند. ^{۱۱۷} به دلیل وضع بار مالی مهریه و نفقه بر مرد توصیه خداوند بر تقسیم ارث به نسبت دو برای فرزند مذکر و یک برای مؤنث است. این نسبت (دو به یک) به ارث شوهر از زن و زن از شوهر برقرار است. قبل از مرگ فرد مختار به انتقال مالکیت به دیگران است. برای پس از مرگ مختار به وصیت بیش از ثلث دارایی خود نیست. ولی پس از مرگ رعایت تسهیم ماترک بر اساس نسبت دو به یک

^{۱۱۴} حضرت حاج سلطانحسین تاینده گنابادی، رضاعلیشاه ثانی، تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا، انتشارات حقیقت، چاپ چهارم ۱۳۷۲.

<http://www.sufism.ir>

^{۱۱۵} - گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ۱۹۸۴ میلادی، ترجمه فخر داعی گیلانی، طبع اول، مهر ۱۳۱۲ تا شهریور ۱۳۱۳. صفحه ۴۸۳. نقل از حضرت حاج سلطانحسین تاینده گنابادی، رضاعلیشاه ثانی، تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا، انتشارات حقیقت، چاپ چهارم ۱۳۷۲.

<http://www.sufism.ir>

^{۱۱۶} - این کلمه ظاهراً در کلام عرب دیده نشده و لفظ «وضوح» ذکر می‌شود، ولی عین عبارت مترجم را ذکر کردیم.

^{۱۱۷} سوره نساء، آیه ۷. لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَبِيًّا مَّفْرُوضًا. برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته‌اند سهمی است و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند سهمی است خواه آن کم باشد یا زیاد نصیب هر کس مفروض شده است.

مذکور حدود الهی است.^{۱۱۸}

۷۲- بضع زن در ملک مرد است ولی عکس آن صادق نیست. این حق به نوعی حق مالکیت معنوی است و نه مادی. لذا تصریح می‌شود که زن از ماترک مرد نیست که به ارث برده شود و تصریح می‌شود که بعد از فوت شوهر ورثه محق نیستند اموالی که شوهرش به او داده را پس بگیرند و نباید در ازدواج مجدد زن متوفی سخت بگیرند.^{۱۱۹}

منابع و مآخذ

- حضرت سجاد، رساله حقوق امام سجاد (ع) مؤسسه انتشارات مشهور. ۱۳۹۰، قم. همچنین نگاه کنید به شرح رساله حقوق توسط حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه:

<http://www.sufi.ir/books/download/farsi/hazrate->

^{۱۱۸} سوره نساء، آیات ۱۴-۱۱. یُوَیِّكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّسْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأَبِيهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَرِثَةِ يَتِيمٍ يُوَيِّئُ اللَّهُ بِهَا أَوْ ذَيْنَ آبَائِكُمْ وَأَبْنَاؤِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. وَلَكُمْ مِنْ مَّا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ هُنَّ وَلَدٌ فَلِكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَرِثَةِ يَتِيمٍ يُوَيِّئُ اللَّهُ بِهَا أَوْ ذَيْنَ بَيْنَ يَتِيمٍ يُوَيِّئُ اللَّهُ بِهَا أَوْ ذَيْنَ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كِلَاةً أَوْ امْرَأَةٌ وَهِيَ أَحَى أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَرِثَةِ يَتِيمٍ يُوَيِّئُ اللَّهُ بِهَا أَوْ ذَيْنَ غَيْرِ مُضَارٍ وَرِثَةِ يَتِيمٍ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ. تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُعِخَّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. وَمَنْ يَعْرِضْ لِقَوْلِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَمَا يَأْتِيهِ مِنَ الْخَالِدِينَ فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ. خداوند به شما در باره فرزندانان سفارش می‌کند سهم پسر چون سهم دو دختر است و اگر [همه ورثه] دختر [و] از دو تن بیشتر باشند سهم آنان دو سوم ماترک است و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد نیمی از میراث از آن اوست و برای هر یک از پدر و مادر وی [متوفی] یک ششم از ماترک [مقرر شده] است این در صورتی است که [متوفی] فرزندی داشته باشد ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند برای مادرش یک سوم است [و بقیه را پدر می‌برد] و اگر او برادرانی داشته باشد مادرش یک ششم می‌برد [البته همه اینها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استننا شود] شما نمی‌دانید پدران و فرزندانان کدام یک برای شما سودمندترند [این] فرضی است از جانب خدا زیرا خداوند دانای حکیم است. و نیمی از میراث همسرانان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم ماترک آنان از آن شماست [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اند یا دینی [که باید استننا شود] و یک چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید و اگر فرزندی داشته باشید یک هشتم برای میراث شما از ایشان خواهد بود [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استننا شود] و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برد کلاله [بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر] باشد و برای او برادر یا خواهری باشد پس برای هر یک از آن دو یک ششم [ماترک] است و اگر آنان بیش از این باشند در یک سوم [ماترک] مشارکت دارند [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دینی [که باید استننا شود] به شرط آنکه از این طریق [زیانی] به ورثه [ترساند این است سفارش خدا و خداست که دانای بردبار است. اینها احکام الهی است و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند وی را به باغهایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آن جاودانه اند و این همان کامیابی بزرگ است. و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت آور است.

^{۱۱۹} سوره نساء، آیه ۱۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِئُ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَجَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. ای کسانی که ایمان آورده اید برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید [ضاررا] زنان را از نکاح کردن منع نکنید [تا بخشی از آنچه را به آنان داده اید [از چنگشان به در] برید مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند و با آنها بشایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.

[majzoubalishah/jozveh121/jozveh_24_mesbahol_sharie_esfande_84_ta_khordade_85.pdf](http://www.sufi.ir/books/download/farsi/hazrate-majzoubalishah/jozveh121/jozveh_24_mesbahol_sharie_esfande_84_ta_khordade_85.pdf)
http://www.sufi.ir/books/download/farsi/hazrate-majzoubalishah/jozveh121/jozveh_37_resaleye_hoghoogh_tir_mordad_1385.pdf
http://www.sufi.ir/books/download/farsi/hazrate-majzoubalishah/jozveh121/jozveh_40_resaleye_hoghoogh_mordad_azar_1385.pdf
http://www.sufi.ir/books/download/farsi/hazrate-majzoubalishah/jozveh121/jozveh_41_resaleye_hoghoogh_azar_dey_bahman_1385.pdf

- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی، بیان السَّعَادَة فی مقامات العبادَة، چاپ دوم، در چهار مجلد رقعی به زبان عربی، ۱۳۴۴ هجری شمسی، چاپخانه دانشگاه تهران. ترجمه محمد آقا رضاخانی و دکتر حشمت الله ریاضی، انتشارات حقیقت. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، مجمع السعادات، انتشارات حقیقت، چاپ دوم، ۱۳۵۳. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، ولایتنامه، انتشارات حقیقت، چاپ دوم، ۱۳۸۴. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج ملا علی نورعلیشاه ثانی، ذوالفقار در حرمت کشیدن تریاک، چاپ اول جدید ۱۳۸۲، انتشارات حقیقت. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج شیخ محمد حسن صالحعلیشاه گنابادی، رساله شریفه پند صالح، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۱۸. شرح و ترجمه پند صالح به زبانهای مختلف در سایت تصوف ایران موجود است: <http://sufi.ir/pandesaleh.php>
 حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه ارواحنا فداه قطب وقت سلسله نعمت اللّهی سلطانعلیشاهی گنابادی در طی مدت چند سال بطور هفتگی این کتاب را شرح کرده اند. شرح این فرمایشات به صورت فایل های صوتی در سایت مزار سلطانی: <http://mazaresoltani.com/audio-pandesaleh.php> شرح این فرمایشات به صورت فایل های تصویری در سایت مزار سلطانی: <http://mazaresoltani.com/video-pandesaleh.php> همچنین متن پیاده شده از نوار را می توان از این لینک دریافت نمود: http://jozveh121.com/main_page.jsp?link=pandeSaleh
- حضرت حاج سلطانحسین تابنده گنابادی، رضاعلیشاه ثانی، تجلّی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا، انتشارات حقیقت، چاپ چهارم، ۱۳۷۲. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده، خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده، قسمت اول، جزوه شماره ۱۹۵، پاییز ۱۳۹۳. <http://www.jozveh121.com>
- حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، رساله حقوق تطبیقی، انتشارات سلسله الرضا، ۱۳۹۰، مشهد.
- حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، الزام شوهر به طلاق و شرط طلاق. سایت دادستانی. <http://www.vekalat.org/public.php?cat=2&newsnum=103180>
- حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده، مجموعه مقالات فقهی-اجتماعی، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۰، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، سخنرانی در ۱۴-۰۸-۹۶ تحت عنوان: خلقت مرد و زن و لزوم دو

- <http://www.mazaresoltani.com/download/mp3/96/1396-08-14-Sobhe-YekShanbe-Khelghate-Zan-Va-Mard-Takamole-Bashar-128.mp3>
- بیژن بیدآباد، مبانی عرفانی حقوق در اسلام، حقوق تطبیقی، نظام‌های حقوقی، حقوق جزا از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.
<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-hoqooq.pdf>
 - بیژن بیدآباد، مبانی عرفانی حقوق اساسی در اسلام، فلسفه حقوق، حقوق فردی، حقوق عمومی از دیدگاه حکمت، ۱۳۸۸.
<http://www.bidabad.ir/doc/mabani-erfani-hoquqe-asasi.pdf>
 - بیژن بیدآباد، فرانک بیدآباد، مبانی عرفانی روانشناسی در اسلام (روانشناسی عرفانی و کارکرد اجتماعی تصوف از دیدگاه حکمت)، ۱۳۹۶.
<http://www.bidabad.ir/doc/psychology-sufism-fa.pdf>
 - بیژن بیدآباد، عوارض امواج الکترومغناطیس بر بهره‌وری و شیوه‌های ایمن‌سازی. مجله توسعه تأسیسات و تجهیزات نشریه انجمن صنفی شرکت‌های پیمانکار تأسیسات و تجهیزات صنعتی ایران، قسمت اول در شماره بهار ۱۳۹۰ دوره جدید شماره ۲۸ شماره مسلسل ۸۱، صفحات ۷۹-۶۴. قسمت دوم در شماره تابستان ۱۳۹۰ دوره جدید شماره ۲۹ شماره مسلسل ۸۲، صفحات ۵۷-۵۴.
<http://www.bidabad.ir/doc/electromagnetic-bahrevari.pdf>
 - ژرژ ریبر، حقوق مدنی، جلد اول.
 - گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ۱۹۸۴ میلادی، ترجمه فخر داعی گیلانی، طبع اول، مهر ۱۳۱۲ تا شهریور ۱۳۱۳.
 - مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام.
 - محمد رشدی، مدنیة العرب، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۹.